

آداب رفتار با فرزندان

عنوان: آداب رفتار با فرزندان - (از سری مجموعه فرهنگ عمومی و آداب شهروندی)

جواد نوری، سیداحمد میراحمدی، جعفر صبوری،
مولفین: محمد

شعاعی، میثم بیگدلی، با سرپرستی علی شیرازی
حسین شیخ

ویراستار: محمود طرازکوهی

طراحی جلد و صفحه آرایی: میثم گل بابایی

، قم

۱۳۹۵

ناشر: عابد اندیش،

نسخه

۳۰۰۰

شمارگان:

۱۳۹۵

نوبت چاپ: اول -

کاری از: مؤسسه فرهنگی هنری حیات طیبه صالحان / مرکز

فرهنگ عمومی و سبک زندگی اسلامی ایرانی

های اسلامی

پژوهش

نشانی: قم / خیابان ساحلی / ساختمان ارشاد / طبقه سوم

۰۹۱۰۰۲۴۰۰۵۲

۰۹۱۰۰۲۴۰۰۵۱

تلفن:

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه حیات طیبه صالحان می باشد.
عنوان و نام پدیدآور: آداب رفتار با فرزندان / مؤلفین محمدجواد نوری... (و دیگران)؛ با
سرپرستی علی شیرازی؛ (به سفارش) شورای فرهنگ عمومی کشور؛ (تهیه کننده) موسسه
فرهنگی هنری حیات طیبه صالحان؛ ویراستار محمود طرازکوهی.

۱۳۹۵

مشخصات نشر: قم: عابد اندیش،

یادداشت: مؤلفین محمدجواد نوری، سید احمد میراحمدی، جعفر صبوری، حسین شیخ
شعاعی، میثم بیگدلی.

موضوع: اسلام و مسائل اجتماعی -- سبک زندگی اسلامی -- ایران

موضوع: مسائل اجتماعی -- ایران

موضوع: کودکان -- سرپرستی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: والدین و کودک -- جنبه ها مذهبی -- اسلام

موضوع: شهروندان ایرانی -- جنبه های اخلاقی

- پدیدآور

۱۳۵۳

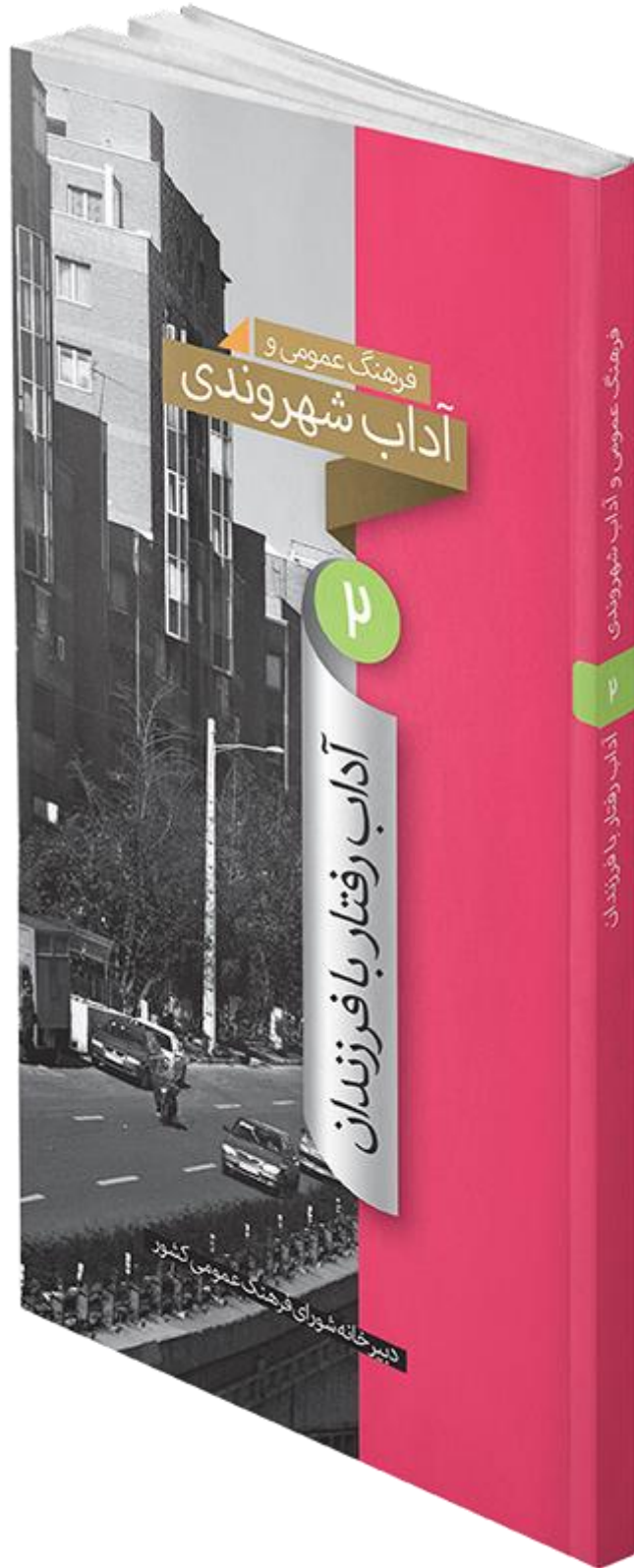
شناسه افزوده: نوری مطلق، محمدجواد،

- سرپرست

۱۳۵۲

شناسه افزوده: شیرازی، علی،

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی هنری حیات طیبه صالحان



فرهنگ عمومی و
آداب شهروندی

۳

آداب رفتار با فرزندان

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور

فرهنگ عمومی و آداب شهروندی
آداب رفتار با فرزندان

کلیات واژه شناسی

آداب و رفتار در دستور زبان فارسی به معانی زیر به کاررفته اند:

الف. آداب

ب. رفتار

الف. آداب

لغت نامه دهخدا: جمع آداب. رسوم: نصر احمد سامانی ... سخت نیکو برآمد و بر همه آداب ملوک سوار شد. (تاریخ بیهقی). گفت [دزدی] می خواهد ... آداب طریقت آموزم. (کلیله و دمنه).

آداب فاضله؛ اخلاق ستوده. محاسن.

فرهنگ عمید: رسوم، عادات.

فرهنگ لغت عمید: عادات و رسوم که در يك جامعه پذیرفته شده؛ روش های نیکو.

فرهنگ واژگان مترادف و متضاد: تشریفات، رسم، رسوم، سنت، سنن، شعایر، عادات، قواعد، مراسم، مناسک.

ب. رفتار

دهخدا: روش. شیوه... سیرت.

جز از نیکنامی و فرهنگ و داد/ز رفتار گیتی مگیرید یاد. فرهنگ فارسی معین: روش. طرز حرکت، سلوک. فرهنگ واژگان مترادف و متضاد: اقدام، حرکت، سلوک، سیره، صفت، عمل، فعل، کردار، کنش، روش، سبک، سلوک، روال، سیر، طریقه، مشی، هنجار. با توجه معانی لغوی، می تواند گفت آداب رفتار با فرزند از سوی والدین در سبک زندگی اسلامی مترادف با شیوه تربیتی اسلام در مورد فرزندان است؛ به عبارت دیگر نحوه رویکرد اخلاقی با فرزندان که مورد سفارش و مایید اسلام باشد

ضرورت آشنایی با آداب رفتار با فرزندان

وظیفه انسان در دنیا، استفاده از مهارت ها بر مبنای سبک زندگی است و از جمله مهم ترین وظایف، ایجاد زمینه برای سیر خلقت در مسیر هدف از آن و ایجاد زمینه مساعد برای هدایت دیگران و جلوگیری از انحراف و فساد در این مسیر است. این وظیفه مراتبی دارد و انسان - چه زن و چه مرد و چه مادر و

چه پدر - در مرحله اول نسبت به خود و در مراحل دیگر نسبت به نزدیک ترین کسان خود و در مراحل بعد نسبت به دیگران، مسئولیت تربیتی و اخلاقی دارد چنان که پیامبر اکرم فرمود:

أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَأَلْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَأَلْمَرَأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. [۱]؛

بدانید که هرکدام از شما به منزله شبانی هستید و تمام شما نسبت به رعیت خود مورد بازخواست قرار می گیرید، بنابراین فرمانروای مردم از رعیت خود بازخواست می شود و مرد نسبت به خانواده اش سرپرست است و مسئول و زن سرپرست اهل خانه شوهر و فرزندان او و مسئول آن هاست و خدمتکار، ناظر بر مال آقای خود و مسئول آن است. هان، همه شما شبانید و تمام شما از رعیت خود بازخواست می شوید.

این ادعا از دستور اکید اسلام در مسئله امر به معروف و نهی از منکر به خوبی روشن می شود چنان که تربیت دیگران و در وهله اول خانواده و فرزندان، خود به نوعی در محدوده و فضای امر به معروف و نهی از منکر می گنجد چون درنهایت، موجب نهادینه شدن فضای تربیتی و اخلاقی در سطح عمومی است. خدای متعال نیز در قرآن شریف، مسئله تربیت خانواده را بلافاصله پس از توجه به تربیت خود ذکر کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ. [۲]؛

ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست نگه دارید.

البته در میان خانواده، فرزندان بیشترین نیاز را به تربیت والدین دارند و از همین روی تربیت و تأدیب آنان بسیار مورد سفارش اولیای الهی بوده است.

أَمَّا حَقُّ وَوَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مِضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌّ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزِينَ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَذَّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ [۳]؛

اما حق فرزندان؛ توجه بدین امر است که او از تو هست (یعنی: شاخه ای از شاخسار وجود تو است) و در چند روز این دنیا خیر و شرش وابسته به تو است؛ و بدانی که یقیناً از جمله وظائفی که بر عهده ات گذاشته شده؛ از قبیل تربیت نیکو، راهنمایی به سوی پروردگارش، یاری و مساعدتش در طاعت خدا- درباره خود و او- مسئول هستی و در این تکلیف به ثواب می رسی و یا مجازات می گردی، پس در این باره همچون افرادی که توسط حسن اثرشان بر فرزندان؛ نامه

عمل خود را در این چند روز دنیا می آریند رفتار کن و در تربیتش آن نوع بکوش که نزد پروردگارش- از آنچه بین تو و او عمل شده و برای او از خدا مدد گرفته ای- معذور باشی و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

اهمیت این مسئله تا جایی است که در برخی روایات، به اهتمام و جدیت در آن دستور داده شده است. از جمله امام صادق می فرماید:

تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: ... وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ [۴]؛

فرزند نیز بر پدر سه حق لازم دارد: ... سعی بسیار زیاد در تأدیب او بنماید.

البته بر تربیت فرزند، آثار مبارکی مترتب می شود که در نهایت سود و فایده آن به خود پدر و مادر برمی گردد که در رأس آن ها مغفرت الهی و عاقبت به خیری است. پیامبر اکرم می فرماید:

أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يَغْفَرَ لَكُمْ. [۵]؛

فرزندانتان را گرامی دارید و خوب تربیت کنید تا خداوند شما را بیامرزد.

از نگاه قرآن، فرزند صالح موهبتی از ناحیه خداست و همسان با آن، ابزار عاطفی و فیزیکی موردنیاز را هم به والدین می بخشد. پدر و مادر باید بدانند فرصتی به کف آورده اند که برای محبوبشان که خداوند است، بنده ای عاشق و شایسته بسازند و با این دیدگاه، خانه عبادتگاهی مقدس و والدین پیامبران مهر و رحمت هستند بوده و عطر و بوی معنویت و خدایی بودن همواره در فضای

این خانه و خانواده خواهد پیچید. بر همین اساس رفتار با فرزندان، آداب خاصی می‌طلبد که آشنایی با آن‌ها گام اول در پروسه تربیت فرزندان و انجام وظیفه اصلی والدین است. امام علی علیه السلام، تربیت نیکو را سبب تزکیه اخلاق و تیزهوشی می‌داند که مردم به آن از زر و سیم محتاج‌ترند و یکی از بهترین چیزهای سه‌گانه در عالم است. [۶]

[۱]. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶.

[۲]. سوره مبارکه تحریم: ۶.

[۳]. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲۶۳.

[۴]. همان.

[۵]. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲.

[۶]. میزان الحکمه، ج ۱ ص ۹۹

بخش اول: وضعیت موجود در تربیت فرزندان

چالش های رفتار با فرزندان

مهم ترین آسیب ها و محدودیت هایی که والدین امروز با آن روبرو هستند چنین است:

بدآموزی های رسانه ای

هرچند الگوی اصلی رفتار کودک، پدر و مادر هستند اما این روزها بسیاری از برنامه های کودک، به جهت اینکه مختص دوره سنی خاصی تهیه نمی شوند و طیف گسترده ای از کودکان یکی دو ساله تا نوجوانان این برنامه ها را می بینند، ادبیات نامناسبی را به بچه ها منتقل می کنند. بازی های رایانه ای و کارتون ها هم گهگاه کلمات نامناسبی را به بچه ها آموزش می داند. از سوی دیگر کودک ممکن است در مهدکودک یا حتی در جمع های فامیلی کلمات نامناسب را بیاموزد.

دیدن فیلم‌ها و مجموعه‌های بزرگ‌ترها که مختص سنین کودکی نیست هم قطعاً باعث بدآموزی‌ها و انتقال ادبیات نامناسبی به بچه‌ها می‌شود.

فرزند کم و امکانات فراوان

کمی‌فرزندان به همراه افزایش و تنوع امکانات و موضوعات در زندگی امروزی موجب عدم تمرکز در مسائل و رشد ناقص فرزندانشان می‌شود. تنوع طلبی انسان امروزی اگرچه باعث سرعت و تحرك بیشتر در زندگی می‌شود اما در مقابل عجله و کم‌حوصلگی نیز به بار می‌آورد. این چنین است که انگیزش و روش‌های ایجاد انگیزه به موضوعی پیچیده و دشوار در تربیت تبدیل شده است.

آگاهی کم از آداب رفتار با فرزند

ضعف دانش تربیتی در والدین و معلمان موجب می‌شود آنان نادانسته و ناخواسته به روش‌هایی در تربیت روی آورند که در عمل مانع و مخل انگیزه محسوب می‌شوند. هر کس که قابلیت ایجاد انگیزه و تحرك داشته باشد به خوبی می‌داند که ایجاد خودانگیزگی در دیگران، به کیفیت رابطه بستگی دارد. فرد انگیزه‌دهنده کارآمد، هر جا که امکان داشته باشد به کودک اعتماد می‌کند، احترام می‌گذارد، گوش فرا می‌دهد، مسئولیت‌پذیری را تشویق می‌کند به او

اجازه انتخاب می دهد، شایستگی را در وی پرورش می دهد و در رفتاری ها، نگرانی ها، تلاش ها اقدامات، موفقیت ها و شکست های او مشارکت می ورزد. بسیاری از رفتارهای فرهنگی ما مانند تمایل به ایجاد محدودیت و کنترل، غلبه احساسات بر منطق، آسان گیری و عدم جدیت، استمرار وابستگی ها و امثال آن، آشفتگی و افت در انگیزه ها را به همراه می آورد.

ضعف در تقویت انگیزه های بیرونی

هنوز هم در فرهنگ ما جهت گیری عمده روش های انگیزشی، بیرونی است و در ایجاد و تقویت انگیزش درونی ضعف ها و کاستی های فراوانی داریم. تلاش در جهت تقویت انگیزه های بیرونی، موجب تزلزل و ناپایداری انگیزه ها می شود.

فرهنگ آپارتمانی

زندگی های آپارتمانی، مانع بروز خلاقیت ها و نیازهای طبیعی فرزندان می شود.

تغییر اولویت در خانواده ها

تغییر اولویت خانواده ها از فرزند پروری به دیگر مسائل و رقابت ها مانند مسائل اقتصادی، اشتغال و ... مانع دیگری بر سر راه تربیت شایسته و موفقیت در فرزند پروری است که متأسفانه مسئله چشم وهم چشمی و مصرف گرایی و مصرف زدگی و آسایش جویی نیز به این رویکرد دامن می زند.

ملزومات آفت گونه عصر شتاب و لذت

فرزندان ما در عصر لذت و شتاب زندگی می کنند و مستعد بی حوصلگی، پرتوقعی و دیگر آسیب ها هستند. دشواری کنترل اطلاعات نامناسب در دهکده اطلاعات سبب رشد نامتقارن کودکان شده و حریم سازی را دشوار می کنم.

افتادن در رویکردهای رفتاری نادرست

افتادن والدین در دام های تربیتی نادرست، ناکامی در فرزند پروری است. برخی از این دام ها به شرح زیر است:

- الف. انتقاد و خرده گیری
- ب. تنها گذاشتن و وانهادن
- ج. زندگی فقط به خاطر بچه ها
- د. تفکر بی نقص بودن پدر و مادر
- هـ. فدا شدن برای فرزند

الف. انتقاد و خرده گیری

شامل درگیری های فراوان و معمولا غیرضروری جنگ قدرت با فرزند که به طور معمول شامل برخورد پدر و مادر با بدرفتاری های فرزند است. از قبیل دعوا یا بحث کردن با روشی انتقادی مثل: «دست از سر برادرت بردار!» یا روشی تهدیدآمیز: «اگر این کار را تکرار کنی من می دانم و تو!» یا فریاد یا تنبیه بدنی.

ب. تنها گذاشتن و وانهادن

اگر رفتار شایسته فرزند مورد بی توجهی و بی مهری قرار گیرد، در آینده چنین رفتاری کمتر از او سر میزند و متأسفانه این روش بسیار مورد استفاده قرار می گیرد در حالی که یکی از اصول مهم در رفتار با فرزند این است که اگر می خواهید رفتاری در آینده بیشتر از فرزندتان سربلند به همان رفتار او توجه خاص نشان دهید.

ج. زندگی فقط به خاطر بچه ها

با بالا رفتن آمار طلاق و ناسازگاری های همسران این مورد نیز زیاد به چشم می آورد که والدین ازدواج ناموفقی دارند و باوجود دعوا و جر و بحث فراوانی که با یکدیگر دارند، به جای اینکه روش هایی را برای برطرف کردن اختلافات خود بیاموزند، فقط به خاطر بچه ها با یکدیگر زندگی می کنند. فرض بر این است که فرزند هم به پدر و هم به مادری باثبات نیاز دارد. فرزندان در خانواده هایی که میان پدر و مادر برخورد و فشار روانی بسیار وجود دارد بیشتر دچار مشکلات رفتاری و عاطفی هستند تا آن که تنها با پدر یا فقط با مادری باثبات زندگی می کنند؛ بنابراین مشکلات جدی زناشویی را نباید نادیده گرفت. جدال و اختلاف نظر بر سر روش های تربیت فرزند میان پدر و مادر منجر به ناسازگاری و تضاد می شود که به نوبه خود مشکلات رفتاری را وخیم تر می سازد.

د. تفکر بی نقص بودن پدر و مادر

این گرایش نتیجه علاقه ما به کامل بودن است و نه صلاحیت داشتن و باکفایت بودن. از آنجایی که پدر یا مادر کامل وجود ندارد، پروردن چنین سودایی در سر، منجر به ناامیدی، تنفر و احساس گناه و ناتوانی است.

هـ. فدا شدن برای فرزند

به این معنا که والدین خود را چنان درگیر تربیت فرزند می کنند که نیازهای عاطفی و روانی خود را فراموش می کنند و همین کمبود، به مرور زمان آفتی خواهد شد که رفتار شایسته و تربیت با فرزند را به تخریب می کشاند.

آفات فضای مجازی

بهره مندی افراطی و غیرمنطقی و مدیریت نشده از امکانات مجازی مانند رسانه ها، رایانه و دیگر ابزار روز، سبب رشد مجازی فرزندان می شود. میزان حضور دانش آموزان در فضای مجازی و پرسه زدن آن ها در شبکه های اجتماعی از مهم ترین چالش های تربیتی فرزندان است. موضوعی که شاید بتوان نام اعتیاد اینترنتی را هم بر آن گذاشت. آسیب جدی که باید پیش از گذشته مورد توجه باشد، نفوذ شبکه های اجتماعی مانند فیسبوک، وایبر، واتس

آپ، لاین در خانواده هاست. نمودار سنی استفاده کنندگان از شبکه های اجتماعی رنگارنگ با کاهش مواجه شده و سن کاربران این شبکه ها را کمتر از گذشته نشان می دهد. بخش هایی از چالش هایی که اینترنت می تواند در حوزه های تربیتی برای فرزندان ما ایجاد کند:

ایجاد شبهات و چالش های مذهبی و اعتقادی

جدایی انداختن و شبهه افکنی در اصول انقلاب اسلامی

خرافه گرایی و عرفان های کاذب

تشکیک در فرهنگ مهدویت و انتظار

رویکرد چالشی در مسائل جنسی

اختلال در روابط فرزندان با والدین

تشویق به هنجارشکنی اجتماعی

اعتیاد اینترنتی

دوست یابی های اینترنتی

ایجاد شبهات و چالش های مذهبی و اعتقادی

فضای مجازی، محلی است که همه افراد و گروه‌ها با گرایش‌های گوناگون و پیروان ادیان و مذاهب مختلف در آن حضور فعالی دارند و مطالب و عقاید خویش را در دسترس همگان می‌گذارند و در این میان، فرزندان ما را که در سن الگو‌گزینی و تأثیرپذیری هستند، به سوی خویش جلب نموده و عقاید و نظرات مغایر دین و مذهب را به آنان تحمیل می‌کنند. آنان در ذهن فرزندان شبهه‌های معرفتی ایجاد می‌کنند و شخصیت‌ها و الگوهای دینی را در اذهان آنان موردنقد و تشکیک قرار می‌داند.

جدایی انداختن و شبهه افکنی در اصول انقلاب اسلامی

از دیگر شگردهای تبلیغی و تربیتی موجود در اینترنت می‌توان به پایگاه‌هایی اشاره کرد که به نقد دروغین انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و اهداف و آرمان‌های آن پرداخته‌اند. از جمله این راه‌ها می‌توان به فضای اینترنت اشاره کرد که با پخش مطالب، تصاویر، کاریکاتورها و فتوکاتورهای ساختگی، اهداف و ارکان نظام مقدس اسلامی مان را زیر سؤال برده، سعی در تخریب آن دارند. به همین جهت، فرزندان و نسل جدید و نوپای ما را علیه انقلاب اسلامی تحریک نموده، آن‌ها را به اعمال خرابکارانه بر ضد نظام اسلامی تشویق می‌کنند.

خرافه‌گرایی و عرفان‌های کاذب

یکی دیگر از تعالیم فضای نوپدید اینترنت، ترویج خرافه گرایی است. پایگاه هایی با انتشار داستان ها و تصاویر ساختگی، اذهان کودکان و نوجوانان را به مسائلی خرافی مشغول می کنند که مانع از درک واقعیت می شود. انتشار خرافات در موضوعات عرفانی و خداپرستی را می توان یکی دیگر از این بدآموزی ها نام برد که توجه جوانان را به خود جلب نموده و آنان را با کلمات و جملات فریبنده به سوی خود فرامی خوانند.

تشکیک در فرهنگ مهدویت و انتظار

دشمنان معنویت در فضای سایبر تمام توان خویش را به کار بسته اند تا فرهنگ مهدویت و انتظار و اعتقاد به وجود منجی به ویژه حضرت مهدی (عج) را کم رنگ ساخته و با طرح سؤالات و شبهاتی ساختگی بر ذهن فرزندان ما تأثیر منفی گذاشته و عقاید و نظرات منحرف خویش را با انتشار مطالب و فیلم های تخیلی، نام حضرت مهدی (عج) را با خشونت و خونریزی و ناامنی مانوس سازند و بر طبق اصل شرطی سازی در روان شناسی، به فرزندان القا کنند که با شنیدن نام حضرت مهدی (عج) به یاد خشونت افتاده، همواره از این شخص در هراس باشند.

رویکرد چالشی در مسائل جنسی

سوق دادن فرزندان به سمت پدیده پورنوگرافی و مسائل جنسی، از دیگر ترندهای پایگاه های اینترنتی است هدف این پایگاه ها سست کردن بنیان خانواده ها و اشاعه فرهنگ فساد و فحشا در جامعه است؛ زیرا این رهیافتی است که برای برچیدن فرهنگ های اصیل دینی و اخلاقی و براندازی نظام های دینی همچون کشور اسلامی اندلس در گذشته تجربه شده است.

اختلال در روابط فرزندان با والدین

برخی پایگاه ها در اینترنت به فرزندان یاد می داند که به نصایح و صحبت های والدین خویش اهمیت نداده و به بهانه های مختلف از جمله قدیمی بودن این سخنان و حضور در عصر فضای مجازی و دیجیتال در مقابل آنان بایستند. همچنین به نوجوانان آموزش می داند که چگونه به اهداف خود دست یابند و به چیزی که می خواهند، خارج از قواعد خانواده، برسند. اینترنت به آنان تعلیم می دهد که چطور مطالبات خود را از پدر و مادر درخواست نمایند و از چه طریقی شانه از زیر بار خواسته های والدین خویش خالی کنند. فضای مجازی به

آنان یاد می دهد که فقط به حرفه ای به اصطلاح امروزی گوش دهند و بر هدفی که مقصودشان است، اصرار ورزند. برخی صفحات وب در اینترنت راهکارهای مخالفت با والدین و فرهنگ فرزند سالاری را به آنان تعلیم داده، در پاره ای اوقات به طور غیرمستقیم خشونت علیه والدین را نیز توصیه می کنند.

تشویق به هنجارشکنی اجتماعی

از دیگر آموزه های برخی از پایگاه ها در اینترنت، تشویق نوجوانان و جوانان به اعمالی برخلاف هنجارهای جامعه است. از جمله: دزدی، آدم ربایی، قتل، آشوب گری، نشر اکاذیب و یا مهمانی های شبانه و سکس و آموزش خودکشی تحریک می کنم

اعتیاد اینترنتی

بسیاری از معتادان به اینترنت، در دوره هایی از زندگی خود دچار افسردگی، استعمال مشروبات الکلی و آشفتگی های روانی بوده اند. معتادان به اینترنت همچنین نسبت به تحصیل علم بی میل می شوند و همین امر موجبات دلسردی آنان از ادامه تحصیل گردیده، درنهایت، ترك تحصیل می کنند

دوست یابی های اینترنتی

دوست یابی اینترنتی، فرهنگ دوست یابی بدون هویت و منطق را رواج می دهد و زمینه روابط نامشروع و خارج از ضوابط و عرف را فراهم می سازد؛ بدون آن که والدین از این شرایط آگاهی داشته باشند.

به تعبیر دیگر در فضای مجازی امروزه چهار حوزه آسیب وجود دارد که بیشترین جرائم و تخلفات سوءاستفاده ها در راستای این چهار حوزه انجام می شود:

حوزه خشونت که از طریق بازی های رایانه ای، روان فرزندان را تهدید می کنم.

حوزه فحشا و فساد که بی عفتی و بی بند باری را ترویج می کنم.

حوزه اعتیاد و گرایش به سوءمصرف مواد مخدر و داروهای روان گردان و حتی اعتیاد ورود به فضای مجازی است

بخش دوم: وضعیت مطلوب در تربیت فرزندان

تربیت فرزند رویکرد مقدسی است که روش‌ها و اسلوب‌هایی دارد که می‌بایست در عمل آن‌ها را به کار زد. این موارد در دو بخش علمی و رفتاری قابل تقسیم است.

آداب علمی

آگاهی از فلسفه فرزند آوری

در سبک زندگی اسلامی، دنیا مزرعه آخرت معرفی شده و آدمی در زندگی دنیایی خویش به منزله باغبانی است که وظیفه‌ای جز کاشت محصول و تلاش پیگیر برای حفظ و تقویت آن ندارد تا هنگام برداشت که آخرت است، دست پر باشد و کامیاب و سعادتمند گردد. این دیدگاه همه رویکردها و جوانب زندگی را شامل می‌گردد از جمله فرزند آوری را که یکی از نقاط عطف و اساسی زندگی بشر است. انسان فرزند می‌آورد که علاوه بر ابقای نسل و ارضای نیاز آن در وجود خویش، به وظیفه تربیتی خود نیز قیام نموده صفت مربی بودن که از اوصاف خداوند است را در وجود خود به ظهور برساند و کامل گردد. پس انسان

فرزند می آورد تا برای خداوند بنده ای خوب و شایسته و برای جامعه انسانی
همنوعی با اخلاق و فاضل تربیت نماید و بدین ترتیب هم آخرتش را آباد سازد و
هم دنیایش را.

شناخت علل و عوامل نادرستی های رفتاری فرزندان

از جمله موارد مهمی که می تواند در سعادت یا شقاوت فرزند تأثیر داشته باشد،
مسئله چالش های اخلاقی است که با توجه به اهمیت و جایگاه آن از جهات
گونگون و گستردگی که از نظر تأثیرات مخرب دنیوی و اخروی و فردی و
اجتماعی دارد، در مسئله تربیت فرزند از اولویت خاصی برخوردار است و باید
والدین نسبت به آن حساسیت خاص و ویژه ای داشته باشند. در همین راستا
لازم است ابتدا علل و عوامل آن ها را بشناسند و در مرحله بعد از مهارت های
پیشگیری و مقابله استفاده کنند.

این مسئله تا حدود شش سالگی طبیعی است و جای نگرانی نیست؛ زیرا بنابر
آموزه های دینی، این دوره زمان آزادی است و روشن است اگر خطری جدی و
حائز اهمیت وجود می داشت، مجوز چنین آزادی نیز صادر نمی شد. امام علی
می فرماید:

يَرْخَى الصَّبِي سَبْعاً... [۷]؛

كودك تا شش سال آزاد است و باید به او آسان گرفته شود...

علت این گونه رفتارها در کودکان تا این سن (حدود شش سالگی) تخیل قوی است. او نمی تواند بین بیداری و رؤیا و حقیقت و مجاز فرق بگذارد. كودك در این سن، جاندار پندار است و به اشیا جان می دهد؛ اما از این سن به بعد، جنبه ی اخلاقی می یابد که باید با راهکارهای درست، جلو آن را گرفت.

به عنوان مثال می توان مسئله دروغ را مدنظر قرارداد که در بسیاری موارد نگرانی های جدی در والدین ایجاد می کند و آداب رفتاری در مقابل آن را نمی دانند؛ اما باید دانست دروغ زمانی بیماری محسوب می شود که فرد بدون نیاز و از روی عادت دروغ می گوید. کودکان معمولاً بر اساس خشنودی والدینشان رفتار می کنند. بدین معنا که هر کاری مادر و پدر را خوشحال کند خوب است و هر چیز باعث عصبانی و ناراحتی بشود بد است؛ بنابراین کاملاً طبیعی و عادی است که کودکی درحالی که دور لب و دهانش مربایی است به طور مستقیم به مادرش نگاه کند و بگوید که اصلاً خبری از وجود مربا نداشته! اگرچه ممکن است دانستن این واقعیت عصبانی کننده باشد ولی یادگرفتن تفاوت بین حقیقت و دروغ و افسانه نیاز به زمان دارد. حتی کودکان کلاس اول هم ممکن است به خوبی این تفاوت ها را درك نکرده باشند.

اما اگر دروغ گویی بعد از حدود؟ سالگی درمان نشود همزمان با رشد کودک شاخه و برگ بیشتری پیدا می‌کنم و درمان آن دشوارتر می‌شود. چنانکه در ادامه حدیث فوق آمده است:

وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يَسْتَخْدَمُ سَبْعًا وَ يَنْتَهِي طُولُهُ فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ وَ عَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ مَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَبِالتَّجَارِبِ. [۸]؛

هفت سال دوم تحت تربیت قرار گیرد و هفت سال بعد به کار گمارده شود و طول قامتش در ۲۳ سالگی و عقلش در ۳۵ سالگی کامل شود و بعد از این آنچه به دست آرد با تجربه است.

البته این به آن معنا نیست که کودک زیر هفت سال رها شده و هیچ عکس العملی در برابر دروغ او نشان داده نشود بلکه مهارت های خاص خود را می‌طلبد اما به این معناست که جای نگرانی نیست. ولی پس از آن باید با جدیت و نگرانی مورد دقت قرار گیرد.

يك دانش آموز دبیرستانی ناخواسته دروغ نمی‌گوید بلکه باظرافت و زیرکی واقعیت را طور دیگری جلوه می‌دهد. اغلب این دانش آموزان برای فرار از تنبیه یا دریافت پاداش دروغ می‌گویند. این امر حاکی از آن است که شالوده رفتار اخلاقی در دوران کودکی آن‌ها به درستی پی‌ریزی نشده است و حالا در دوران بزرگ سالی برای رسیدن به اهداف خاص دروغ می‌گویند. در این سنین فشارهای والدین موقعیت را بدتر می‌کنم و راهی جز دروغ گویی برایشان باقی

نمی ماند؛ بنابراین آگاهی از مهارت های پیشگیری و مقابله با دروغ در تربیت فرزند، خود نوعی مهارت قبلی به شمار می رود.

[۷]. همان، ص ۲۲۳.

[۸]. همان، ص ۲۲۳.

عدم توقع ادب و اخلاق بیش از شرایط سنی و ادراکی

همه مادر و پدرها در يك آرزو مشترك هستند و آن هم مؤدب بودن بچه هاست؛ اما برای باادب شدن بچه ها چه مقدماتی لازم است و به چه نکته هایی باید دقت داشت؟ شرایط محیطی و رفتاری که منجر به مؤدب شدن بچه ها می شود چیست؟ بعضی از خانواده ها گاهی آن قدر به مؤدب بودن بچه های خود حساس می شوند که به وادی افراط و تفریط کشیده می شوند و نمی دانند که

فرزند آن‌ها در چه شرایط سنی قرار دارد و چه اقتضائاتی دارد؟ شاید بچه ۸ ساله هنوز آداب مراسم ختم را نداند و... اما به مرور زمان و با شیوه‌های تربیتی و رفتار شماست که باید درک کند، چه رفتاری مناسب کجاست. این ادب مقدمه عاقل بودن بچه‌ها و تقوا پیدا کردن آن‌ها در دوران بعد از کودکی است. مؤدب بودن از همین فهم رعایت قانون شروع می‌شود.

آگاهی بخشی با توضیح علمی و معرفی الگو

از مهم‌ترین و کارآمدترین مهارت‌ها برای مقابله و پیشگیری از چالش‌های اخلاقی در فرزندان، گفتگو و آگاهی بخشی به اوست. البته در هر سنی باید از نوع و روش خاصی در القاء و تفهیم استفاده شود که متناسب با سطح فهم و درک او باشد؛ اما در هر حال انتقال مطالب و القای مفاهیم درست و حق، در سن کودکی تأثیر حیرت‌انگیزی دارد که قابل انکار نیست. اولیای الهی نیز به این مطلب صحه گذاشته‌اند از جمله امام علی می‌فرماید:

الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. [۹]؛

دانش آموختن در خردسالی، از جهت پایداری چون نقش بر سنگ است.

مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. [۱۰]

هر که در کودکی سؤال کند، در بزرگی پاسخ گوید!

آموزش خوبی‌ها به خانواده و فرزندان، از ابتدایی‌ترین وظایف دینی و عقلی والدین است که مورد سفارش اهل بیت بوده است. حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید:

عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَ أَدَّبُوهُمْ.

به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید. [۱۱]

برای مثال کودکی که در اثر اشتباه در بیان تخیل و واقعیت، حرف نادرست و خلاف واقعی گفته است باید بفهمد که واقعیت چیست و خواب و خیال چیست و باید به او تفهیم شود که در بیان آن مسئله دچار اشتباه شده است. به فرزندی که در سن تشخیص است باید تفهیم شود که سخنی را که گفته، ناپسند بوده است و موردقبول و پذیرش پدر و مادر و دیگران نیست و ممکن است روزی این گونه سخنان، زیان و خطری پدیدآورند که برای خودش و دیگران مشکل ساز می‌شود.

کودکان در این دوران، هنوز با فطرت خود فاصله چندانی نگرفته‌اند و هنوز درون و ضمیرشان پاک و صاف است و بیان این که خدا از این کار راضی نیست و آدم به جهنم می‌رود، برای بازداشتن بچه‌ها مؤثر است. القای این مطلب که این کار را خدادوست ندارد و چیزی که خدادوست ندارد در مقابلش عقوبت و مجازات است و او از لذت‌ها و محبت‌ها در دنیا و آخرت محروم می‌شود، روش خوبی است؛ زیرا به دلیل محبت فطری و ذاتی که نسبت به خداوند در

وجود او هست، می تواند با این گونه سخنان به خوبی رابطه برقرار کند و اثر بپذیرد.

ذکر محتوای برخی احادیث معصومان علاوه بر نورانیت ذاتی که دارد و به خودی خود نوعی ذکر به شمار می رود، باعث می شود مفاهیم درست و حق در وجودش القا شود و با آن ها انس بگیرد و در آینده وقتی نسبت به گوینده این احادیث، شناخت و معرفت و ارادت و محبتی پیدا کرد، خیلی گواراتر به جانش نشست و در مقام عمل، بیشتر از آن ها استقبال می کنم. امام صادق فرمود: مردی بر پدرم امام محمدباقر وارد شده و گفت: خدا تو را رحمت کند و درود فرستد؛ من برای اهل و خانواده ام گفتار خدا و احادیث را بازگو می کنم نظرتان چیست؟ پدرم فرمود:

نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ
الْحِجَارَةُ وَقَالَ وَ أُمِرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبِرْ عَلَيْهَا. [۱۲]؛

آری خوب کاری است، زیرا خدا می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده و گرویده اید خودتان و کسانتان (زن و فرزندان) را (به سبب اطاعت و پیروی از خدا و رسول و معصیت و گناه نکردن و امر به معروف و پسندیده و نهی از منکر و ناشایسته) حفظ کرده و نگهدارید از آتشی که هیزم و افروزنده آن مردم اند و سنگ ها؛ و فرموده: و اهل و خویشاوندان خود را به نماز امر نموده و فرمان ده و بر آن صبر و شکیبایی داشته (ثابت و پابرجا) باش.

بسیار مناسب است این مهارت در ضمن مهارت دیگری به کار گرفته شود که مؤثرتر واقع شود از جمله مهارت قصه گویی. كودك، گاهی کار زشتی می کنم تا از دیگری انتقام بگیرد. به عنوان مثال پرویز و رادین دو برادرند. پرویز، رادین را كتك می زند و چون رادین، توان مقابله با پرویز را ندارد، او را نزد پدر خطاکار معرفی می کنم تا پدر او را توبیخ یا تنبیه کند و به این صورت، انتقام بگیرد.

در این صورت، می تواند ضمن قصه ای عاطفی که کسی برادرش را به كتك داد و بعد دچار پشیمانی شد، به او درس انصاف داد که پسندیده نیست کسی برای انتقام از دیگری، به کار زشتی متوسل شود.

[۹]. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹.

[۱۰]. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۴۷.

[۱۱]. ریشهری، محمد، میزان الحکمه، ح ???.

[۱۲]. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵.

بخش دوم: آداب رفتاری

ایجاد محیط سالم تربیتی در خانه و رعایت ابتدایی خوبی ها محیط خانواده، اولین فضای تربیتی فرزند است که بر اساس رفتاری که از اولین الگوهای زندگی مشاهده می کنیم و بیش ترین تعلق و علاقه را به آن ها دارد، شاکله اخلاقی و رفتاری او شکل می گیرد. حضرت امام صادق فرمود: وقتی این آیه نازل شد:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا. [۱۳]؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ هاست حفظ کنید.

مردم گفتند: چگونه ما خودمان و خانواده مان را از آتش جهنم حفظ کنیم؟ پیامبر اکرم جواب دادند: اَعْمَلُوا الْخَيْرَ وَ ذَكُرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ فَأَدَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ. [۱۴]؛

(ابتدا خود) کارهای خیر انجام دهید و (در مرحله بعد) خانواده هایتان را به آن یادآور شوید و آن ها را بر بندگی خدا ادب نمایید.

بنابراین والدین اگر خودشان هم علاقه چندانی به تغییر روش رفتاری و اصلاح آن ندارند و در تفاهم با شرایط موجود در کنار هم زندگی می کنند، اما اگر اصلاح و تربیت فرزندشان برایشان مهم است، باید در مقابل دیدگان او، رفتاری درست و مناسب ارائه کنند زیرا رفتار فرزند در ابتدا بر اساس تقلید و شبیه سازی از آنان شکل می گیرد و اگر مشکلی در رفتار آنان وجود داشته باشد، در آینده اولاً باید بفهمد این اخلاق که از پدر و مادر آموخته و به ارث برده است، نادرست بوده و باید تغییر کند و ثانیاً باید با زحمت بسیار آنچه در دل و جانش به عنوان ملکه رفتاری ثابت شده را تغییر دهد و اصلاح کند. حضرت امام صادقی می فرماید:

لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يورثُ اهل بيته الْعِلْمَ وَ الْأَدَبَ الصَّالِحَ حَتَّى يَدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعاً
حَتَّى لَا يَفْقِدَ فِيهَا مِنْهُمْ صَغِيراً وَ لَا كَبِيراً وَ لَا خَادِماً وَ لَا جَاراً وَ لَا يَزَالُ الْعَبْدُ
الْعَاصِي يورثُ اهل بيته الْأَدَبَ السَّيِّئَ حَتَّى يَدْخِلَهُمُ النَّارَ جَمِيعاً حَتَّى لَا يَفْقِدَ فِيهَا
مِنْهُمْ صَغِيراً وَ لَا كَبِيراً وَ لَا خَادِماً وَ لَا جَاراً. [۱۵]؛

فرد مؤمن همیشه علم و ادب نیک را در خانواده خود به عنوان ارث می گذارد تا همه آن ها را داخل بهشت کند تا حدی که از این خیر بزرگ دسته جمعی کوچک و بزرگ و خادم و همسایه محروم نمی شوند و نیز بنده گنه کار، بی ادبی و عادت زشت را در اهل خانه خود به عنوان ارث باقی نمی گذارد تا همه آن ها را در آتش (جهنم) وارد کند تا حدی که کوچک و بزرگ و خادم و همسایه از آن محروم نمی شوند.

البته این مهارتی است که با يك تیر دو نشانه می رود، یعنی انسان همان وظیفه اخلاقی که باید انجام دهد را مراعات می کنم و از طرفی چون فرزند به او نگاه می کنم و الگو می گیرم، کار او اثر تربیتی نیز خواهد داشت و محیط خانه و خانواده عطر و بوی فضایل و ملکات خوب نفسانی خواهد گرفت و درهرصورت، نفع مسئله از چند سو به خود شخص برمی گردد. انسانی که در این مهارت، تمام شرایط در جمع خانواده برایش فراهم است اما به دلیل رعایت این مهارت، از کار ناشایست صرف نظر می کنم باعث تثبیت صداقت در خانواده می شود و چون قصد تربیت فرزند را هم داشته، همین انگیزه به عنوان يك توفیق اجباری موجب اصلاح نفس خود او نیز شده است؛ بنابراین باید محیط خانه و تربیت كودك را از ریا و نیرنگ دور ساخت و از این که گاهی به شوخی یا از روی توریه کارهای نادرست انجام شود نیز پرهیز نمود؛ چراکه كودك جنبه نقش پذیری و تقلید دارد و تمایز را درك نمی کند.

در مقابل، بدکاری اعضای خانواده، كودك را هم همان گونه می کنم. والدین، معلم های نخست فرزند هستند و محیط خانه و منزل اولین مدرسه و آموزشگاه او است. طفل هم در آماده ترین دوران یادگیری و تعلیم است، اما گاهی پدر و مادر در محیط خانه از تأثیر رفتار خود بر فرزندان غفلت می کنند. سیره عملی والدین در زندگی خانوادگی، اگر صحیح و سنجیده و بر اساس معیارها و موازین درست تربیتی باشد، در فرزند هم تأثیر تربیتی صحیح دارد و برعکس اگر در سلوك با یکدیگر یا با دیگر اعضای خانواده، یا در رفتار با كودك خود، روش نامطلوبی را پیش گیرند، اثرات منفی آن در روح و روان كودك ماندگار خواهد بود؛ مثلاً اگر کسی در بزند و پدر برای آسایش خود، مهمان را نپذیرد و به دروغ

به فرزند بگویند بگو که پدرم خانه نیست؛ این رفتار از همان آغاز بر روح مستعد کودک اثر منفی می‌گذارد. در اینجا پدر به طور غیرمستقیم، دروغ‌گویی را به فرزند خود منتقل می‌کند. حتی اگر فرزند به طور مستقل مخاطب نباشد و فرزند مشاهده کند که مادر به پدر دروغ می‌گوید، یا در ضمن صحبت تلفنی به دیگران دروغ می‌گوید و از طرفی مادر دوست داشتنی‌ترین موجود دنیا و الگوی مهربان و مقدس اوست، نتیجه این فرآیند، تلقین و جاگیر شدن دروغ در جان فرزند است و البته اسفبارتر این است که فرزند در کنار دروغ، نفاق را هم می‌آموزد؛ زیرا مشاهده می‌کند که مادر به پدر دروغ گفته و در عین حال همیشه خود را دوستدار و وفادار به او جلوه می‌دهد!

گاهی هم از همین دروغ برای تربیت فرزند و حتی برای اینکه بفهمانند که او دروغ‌گفته و کار خوبی نکرده است استفاده می‌کنند. مثل جایی که کودک مرتکب خلافی شده و پدر یا مادر می‌گویند: آقا کلاغه خبر آورده که چنین کاری کرده‌ای! او به تدریج خواهد فهمید که این مسئله دروغ است و خود نیز دروغ می‌گوید. افزون بر این، اعتمادش نیز از والدین سلب خواهد شد. امام باقر می‌فرماید:

لا تُلَقِّنُوا النَّاسَ فَيَكْذِبُونَ فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَعْلَمُوا إِنَّ الدُّبَّ يَأْكُلُ الْإِنْسَانَ فَلَمَّا لَقَّنَهُمْ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الدُّبُّ، قَالُوا أَكَلَهُ الدُّبُّ. [۱۶]؛

دروغ‌گویی را به فرزند تلقین نکنید. - اثر منفی تلقین زشتی این است که - فرزندان یعقوب تا زمانی که یعقوب نگفته بود: می‌ترسم گرگ او را بدرد، نمی‌دانستند که گرگ انسان را می‌درد. بعد از این آموختند که به دروغ به پدر خود بگویند ما بازی می‌کردیم، گرگی آمد و یوسف را درید.

پس هر کاری که نتیجه آن این اثر منفی تربیتی باشد که فرزند روش اشتباه کاری را بیاموزد، اشتباه است. از فرمایشات اهل بیت علیهم السلام به خوبی برمی آید که اگر می خواهیم دیگران و از جمله فرزندانمان را درست تربیت کنیم، ابتدا باید خود را اصلاح کنیم و این قاعده استثنا ندارد. امام علی می فرماید:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ. [۱۷]؛

آن که خود را در مرتبه پیشوایی قرار می دهد باید پیش از مؤدب نمودن مردم به مؤدب نمودن خود اقدام کند و پیش از آنکه دیگران را به گفتار ادب نماید، باید به کردارش مؤدب به آداب کند و آن که خود را بیاموزد و ادب نماید به تعظیم سزاوارتر است از کسی که فقط دیگران را بیاموزد و تأدیب کند.

قابل قبول نیست که پدری در خانه دروغ گویی، بی ادبی، عهدشکنی و ظلم و تعدی را سیره خود قرار دهد، اما از فرزندش توقع داشته باشد به او دروغ نگوید و این کارها را نکند! اگر پدر و مادر، داخل خانه به یکدیگر دروغ بگویند یا به دیگران دروغ بگویند، به فرزند قول بدهند و به آن وفا نکنند، خلف وعده کنند، کودک هم دروغ گو تربیت خواهد شد و به وعده هایش بی توجه بود.

امام صادق فرمود:

كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلِاجْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ؛
فَاِنَّ ذٰلِكَ دَاعِيَةٌ. [۱۸]؛

مردم را با غیر زبانتان (یعنی با کردارتان) بخوانید تا از شما پارسایی و کوشش و نماز و خوبی را ببینند؛ زیرا این امور آنان را [به سوی حق] فرامی خواند.

امام علی می فرماید: فضل الأدبِ مَا بَدَأَتْ بِهِ نَفْسُكَ. [۱۹]؛

بهترین ادب آن است که از خود آغاز کنی.

کودکان همچون دوربین فیلم برداری هستند هر چه را که می بینند یا می شنوند ضبط می کنند؛ و بعد «آن را عیناً» اجرا می کنند به ویژه اگر فیلم را از اعمال کسی که دوستشان دارند ضبط کرده باشند. روشن است که والدین نخستین کسانی هستند که کودک از آن ها تقلید می کنم بنابراین بکوشید تا الگوی راست گویی برای کودکان باشید. اگر در مکانی که باید بلیت بخريد سن کودک را دروغ بگویید تا پول بلیت ندهید بی تردید کودک به این موضوع توجه خواهد کرد حتی ممکن است که او با گفتن این جمله «من که سه سالم نیست پنج سالمه!» شما را شرمسار کند.

کودک شاهد بی انصافی های والدین است. او می بیند که پدر یا مادر در اثر اشتباه ظرفی از دستشان می افتد و می شکند و کسی نیست آن ها را مورد بازخواست قرار دهد، ولی همین که نمونه این لغزش توسط کودک انجام شود، او

را به باد ناسزا گرفته، متهم به سر به هوایی می کنند. در این حالت چون كودك انصافی از پدر و مادر نمی بیند و از سوی دیگر مایل به شکست و تحقیر شخصیت خود نیست، تن به دروغ می دهد.

گاهی والدین خودشان به وضوح دروغ می گویند اما نادیده گرفتن حقیقت از سوی كودك را بر نمی تابند. در صورتی که چنین انتظاری بی جاست. حضرت امام کاظم به عنوان ذکر مصداق در این زمینه می فرماید: إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَانَ ، فَفُؤَا لَهُمْ... [۲۰]؛

اگر به فرزندان خود وعده چیزی می دهید، حتماً به وعده خود وفا کنید ...

استفاده از واژه های «الکي»، «شوخی» و یا دروغ نباید در خانواده رواج داشته باشد و كودك باید بداند دروغ در هر شکلی ناپسند است. گاهی والدین از دروغ گویی مقابل كودك اجتناب می کنند اما در عوض پنهان کاری را به او یاد می دهند. پنهان کاری هم شکل دیگری از دروغ است و در طول زمان كودك یاد می گیرد که چه طور حرف بزند تا متهم به دروغ گویی نشود.

والدین در حقیقت نقش گلخانه ای را دارند که باید فرزندان در دامن آنان مانند گل هایی معطر و شاداب با رنگ و بوی اخلاق و فضیلت و معنویت پرورش پیدا کنند. امام صادق می فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَيَفْلِحُ بِفَلاحِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ وَلَدَهُ وَ وَلَدَهُ وَلَدِهِ. [۲۱]

خداوند با رستگاری و سعادت يك مؤمن، رستگاری و سعادت فرزند او و فرزندان فرزند او را هم تأمین می کنم.

راز رستگاری و سعادت در اینجا فقط رستگاری و سعادت تکوینی نیست. این طور نیست که اگر پدری خوب بود، بچه هایش هم به طور تکوینی همه خوب می شوند. ظاهر معنی فرمایش امام این است که روش و شیوه تربیتی يك پدر خوب، سعادت‌مند و صالح باعث رستگاری فرزندان بلاواسطه یا باواسطه او خواهد شد.

در این باره امام باقر فرموده اند: *يَحْفَظُ الْاِطْفَالَ بِصَلَاحِ اَبَائِهِمْ*. [۲۲]

مصونیت فرزندان از لغزش، خطا و اشتباه، با صالح بودن پدران تأمین می شود.

مصونیت فرزندان از خطرات و محفوظ ماندن آن ها از آفات، تا حد بسیاری درگرو اصلاح والدین است. اگر والدین دارای صلاحیت اخلاقی و رستگاری باشند، تأثیر مستقیمی در تربیت فرزند داشته، آن ها را از سقوط در ورطه مهالك اخلاقی حفظ می کنم. والدین با به کارگیری روش ها و شیوه های صحیح و کارساز تربیتی، فرزندان را با آداب و تعلیمات اخلاقی مانوس کرده، مصونیت می بخشند. از جمله این روش ها، فراهم کردن محیط اخلاقی و تربیتی سالم و آرامش بخش است تا بتواند در این محیط، به فرزند بقبولانند که او هم انسانی است دارای قدرت و استعداد که با شکوفایی و فعلیت یافتن این استعدادها، می تواند از همان دوران کودکی استقلال خود را به دست آورد و بدون وابستگی،

طفیلی بودن و قملق و دروغ، در سایه تلاش و کوشش شخصی خود، نیازها و احتیاجاتش را تأمین کند.

[۱۳]. سوره مبارکه تحریم: ۶.

[۱۴]. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۸۲.

[۱۵]. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۱.

[۱۶]. متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۶۲۵.

[۱۷]. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ص ۴۸۰.

[۱۸]. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۳، ص ۲۰۲.

[۱۹]. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۷.

[۲۰]. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ۱۱، ص ۴۵۱.

[۲۱]. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۱۲.

[۲۲]. همان، ج ۶۸، ص ۲۳۶.

[۲۳]. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲۷۰.

فراگیری بخشش

رعایت انضباط و ضوابط اخلاقی در خانه و خانواده و تربیت فرزندان ضروری است ولی زیاده روی در این امر درست نیست. برای واداشتن طفل به راست گویی ضروری است در مواردی از بعضی لغزش ها که گاهی خودمان هم مرتکب

آن می شویم، چشم پوشی کنیم و او را ببخشیم. حضرت امام سجاد چنین چشم پوشی و بخششی را حق فرزند دانسته و می فرماید:

أَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَ تَثْقِيفُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَفْوُ عَنْهُ وَ السَّتْرُ عَلَيْهِ وَ الرَّفْقُ بِهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ وَ السَّتْرُ عَلَى جَرَائِرِ حَدَاثَتِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَ الْمُدَارَاةُ لَهُ وَ تَرْكُ مَمَاحِكِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى لِرُشْدِهِ [۲۳]؛

اما حق فرد خردسال: مهربانی نمودن با او، پرورش او، آموزش او، گذشت و بخشیدن از او، پرده پوشی [بر عیوب] او، ملامت با او و یاری کردن او و پوشاندن خطاهای کودکانه او؛ زیرا این طرز رفتار موجب توبه و بازگشت است و مدارای با او و عدم تحریکش [با عیب جویی و خرده گیری] که بی شک این برخورد به هدایت و رشد او نزدیک تر است.

حتی رعایت انصاف ایجاب می کند که او در مواردی کارهای جزئی خود را که علنی کردن آن موجب شرم و حیاست، از شما پنهان دارد. البته به شرطی که مخالف با شرع و اخلاق نباشد. فرزندان ما باید در خانه احساس آرامش و اطمینان کنند و مطمئن باشند که خطاهای بی اختیار بخشوده می شود. تنبیه و سرزنش برای مواردی است که تعمدی در کار باشد و تازه اگر در همان کار عمدی هم سخن راست گفته شود موجب تخفیف در عقوبت باید باشد.

اگر کودکان، از تنبیه بدنی در امان باشند، دروغ نمی گویند و اگر کودک بداند در صورت ارتکاب خلاف و عملی ناپسند، والدین یا معلم، او را تنبیه نمی کنند، بلکه

به او آگاهی می‌داند و در صورت نیاز، از او شکوه خواهند کرد، حقیقت را خواهد گفت و نتیجه مراعات این ادب تربیتی، زمینه‌سازی برای اصلاح کار و پرهیز از تکرار آن توسط فرزند می‌شود.

رسول اکرم به امیرالمؤمنین فرمود: **انَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَ لَا تُبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّ. [۲۴]؛**

این دین، دارای متانت و رفق و مدارا است. مبدا مسائل دین را طوری به خود و دیگران القا کنی که از مسائل مربوط به خدا و دین‌گريزان شويد و نسبت به آن‌ها بغض پیدا کنيد.

در روایتی از امام صادق نقل شده است که فرمود: **اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَنَا شَابٌّ، فَقَالَ لِي أَبِي : يَا بَنِي ، دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ. [۲۵]؛** من در دوران جوانی، خیلی عبادت می‌کردم. روزی پدرم امام باقر به من فرمودند: اگر خدا بنده ایرا دوست داشته باشد، به کمتر از این که من از تو می‌بینم راضی می‌شود.

این روش تربیتی صحیحی است که امام نسبت به فرزندش اتخاذ می‌کنم؛ گرچه آن فرزند هم امام است؛ اما این نکات برای آموزش دیگران است. کار خوب یا ترك بدی‌هایی که تحمیلی باشد که با ترس پدر و مادر انجام گیرد، به طور مطلق و همیشه باعث تکامل فرد نخواهد بود. رسول اکرم فرمود: **رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ ... يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ، وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ، وَ لَا يَرْهَقُهُ، وَ لَا يَخْرُقُ بِهِ. [۲۶]؛** خدا رحمت کند کسی را که در انجام خوبی‌ها یاور فرزندش باشد

... کارهای آسان او را بپذیرد، از کارهای دشوار او بگذرد (کارهای سخت را از او نخواهد)، او را [با امر ونهی های خود] خسته نکند و بی احترامی به وی روا مدارد.

اگر پدر و مادر به یکدیگر یا به کودک خود ستم کنند، کودک هم با ستم خو خواهد گرفت و ظلم مدار تربیت خواهد شد؛ بنابراین، اگر حالت وحشت و دهشتی برای فرزند به وجود آورد که همیشه در محیط خانه، مرعوب و وحشت زده باشد این رفتار باعث می شود کودک، خجول و شرمسار تربیت شود. چنین کودکی همیشه در حال حیا، خجلت و ترس خواهد بود.

پدر و مادر باید برای فرزند محیطی به وجود آورند که او از نظر روحی، در ترس، خوف یا خجلت و شرمساری قرار نگیرد. باید محیط رشد و پرورش کودک را، فارغ از هرگونه هراس، وحشت و انفعال روحی فراهم کنند. در دین اسلام حتی از تربیت و ادب در حال خشم و غضب نیز نهی شده است چنانکه در کافی نقل شده است: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ عَنِ الْأَدَبِ عِنْدَ الْغَضَبِ. [۲۷]؛ رسول خدا از ادب کردن هنگام غضب نهی فرمود.

بعضی از والدین، به خصوص پدران، چون خود را متولی و مدیر خانواده می دانند، تصور می کنند که باید با به وجود آوردن يك محیط ارباب و ترس و توسل به ابزار خوف و وحشت، سلامت زندگی را تأمین کنند و هرگز برای وصل

به هدف بسیار ارزشمند تعلیم و تربیت زحمت آموختن و یادگیری مدیریت در خانه و تربیت فرزند را به خود نداده اند.

عجیب تر این است که بدون این که به کودک خود بیاموزند که کار خوب و بد کدام است، از او توقع دارند که خلاف نکند. آنچه مسلم است کودک باید ابتدا زشتی و نیکی را بشناسد تا مرتکب بدی ها نشود و به نوبه عمل کند. این پدران بدون توجه به کوتاهی خود، به محض این که فرزندشان مرتکب خلافی شد، بدون تفکر در انتخاب بهترین روش تأدیب، به تأدیب جسمی و ضرب و جرح می پردازند؛ در حالی که در معارف دینی این روش مطلقاً ممنوع است. در صورت ارتکاب خلاف، از سازوکارهای بازدارنده، یعنی رو ترش کردن، محرومیت، تحریک عواطف، قهر و ... استفاده کرد و از تنبیه بدنی جدا پرهیز نمود.

فردی گوید: نزد امام کاظم از فرزندم شکایت کردم، فرمود: لَا تَضْرِبُهُ وَ اهْجُرْهُ وَ لَا تُطْلُ. [۲۸]؛ مبادا فرزندت را کتک بزنی. (برای ادب کردن او) با او قهر کن؛ اما دوران قهر تو به طول نینجامد.

در بعضی از روایات وارد شده است که فقط سه روز می توانی قهر کنی.

البته این بستگی به سن کودک هم دارد؛ گاهی کودکی در سنین پایین و نوباوه است و شاید تحمل يك ساعت قهر کردن پدر را ندارد، اما همین مقدار قهر

کردن او را متنبه می‌کنم و متوجه می‌شود که عمل او، ناپسند بوده که موجب رنجش پدر شده است. در روایت دیگری از امیرالمؤمنین وارد شده است که فرمود:

فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْآدَابِ وَ الْبَهَائِمَ لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ. [۲۹]؛ حیوان است که موعظه در او اثر ندارد و فقط با کتک می‌شود به کاری وادارش ساخت؛ اما انسان عاقل که خداوند به او نیروی عقل عنایت کرده، هرگز نیاز به تنبیه و کتک ندارد.

نیروی عقل، ملکه ای است در انس آن که باید آن را با آداب صحیح شکوفا کرد. حال اگر پدری به جای توسل به روش‌های صحیح، به زدن فرزند اقدام کند، در اصل به تحقیر و خوار کردن او همت گماشته است. این کار، ایذا و حرام است و اگر به حد دیه برسد باید دیه را به کودک بپردازد. نقل است که مردی نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! خانواده ام مرا خشمگین می‌کنند. به چه چیزی آنان را مجازات کنم؟ فرمود: «تَعْفُو؛ درگذر.» سپس بار دوم گفت تا اینکه سه بار تکرار کرد. حضرت فرمود: «إِنْ عَاقَبْتَ، فَعَاقِبْ بِقَدْرِ الذَّنْبِ، وَاتَّقِ الْوَجْهَ.» [۳۰]؛ ببخش و اگر مجازات می‌کنم به قدر گناه مجازات کن و از (زدن به) صورت بپرهیز.

رعب و وحشت برای کودک دو عارضه در پی دارد: الف) موجب طغیان و تجری کودک می‌شود و به محض این که رشد کرد و پا از محیط خانه بیرون گذاشت، در اجتماع و در برابر خطاهای دیگران، همان روش پدر را به کار خواهد گرفت.

یعنی او در مقابل خلاف هم بازی اش، دست به کتک دراز خواهد کرد؛ اما اگر پدر او در محیط خانه و به هنگام خطا با لبخند، نصیحت و ارشاد و یا در نهایت با قهر کردن با او مواجه شد، وی هم در مواجهه با خطاهای دیگران همین کار را خواهد کرد و این طبیعی است که جامعه پذیرای خشونت نیست و اگر فردی به چنین روش هایی روی آورد، او را عنصر نامطلوبی شناخته که به مرور زمان اجتماع او را تربیت خواهد کرد.

ب) کودکی که پدر و مادر با او این گونه برخورد کرده اند و در مقابل هر خطایی او را تحقیر کرده، کتک زده و یا با او قهر می کرده اند و او را مورد بی مهری و بی اعتنایی قرار داده اند، عنصری جبون و ترسو تربیت خواهد شد که با هر خطایی، ترس و جبن سراسر وجودش را فرا خواهد گرفت. حتی اگر کار خوب هم انجام دهد، جرئت اظهار کردن آن را نخواهد داشت که این دو عارضه مذموم است و همین عوامل است که موجب عقوبت والدین می شود.

تجربه نشان داده است فرزندان که پدرانی سختگیر و خشن دارند و محیط خانواده همراه با خشونت است و به جای طنین صدای مهربانی و وقار پدر، ترس و وحشت حاکم است، در بزرگ سالی افرادی ترسو، خجالتی و گریزان از مواجهه و رویارویی با مشکلات خواهند بود.

اصل مسئله تشویق در مقابل انجام کار خوب مهم ترین جلوه تربیت دینی و مورد مایید عقل است و شاید بتوان گفت از آنجاکه انجام وظایف عبودیت و بندگی، وظیفه انسانهاست، تمامی وعده های الهی در مورد ثواب و پاداش این

اعمال، در حقیقت تشویقی است برای انجام این امور و خدای متعال خود از شیوه تشویق در مورد بندگان استفاده فرموده است. هم چنین این شیوه در سیره عملی اهل بیت نیز دیده می شود. از جمله علامه مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار مرفوعاً نقل می کند که عبدالرحمن سلمی به فرزند حضرت امام حسین سوره حمد را آموخت. وقتی کودک در حضور پدر، سوره حمد را خواند، حضرت حسینعلوه بر پول نقد و پارچه ای که از راه حق شناسی به معلم داد، دهان آموزگار را از دُرّ پرکرد. عرض شد این همه پاداش برای يك سوره؟! فرمود: وَ أَيْنَ يَقَعُ هَذَا مِنْ عَطَاءِهِ. [۳۱]؛ این پاداش کجا و اهمیت آموختن سوره حمد کجا!

محدود کردن توقعات از فرزندان و پرهیز از زمینه سازی برای خلاف والدین نباید از فرزند انتظار داشته باشند همه خواسته های آن ها را برآورده کند یا کاری که آن ها در انجامش ناتوان هستند یا حوصله انجام آن را ندارند، او نسبت به آن ها اقدام کند. تحمیل کارهای طاقت فرسا و وظایف سنگین و توقع به جا آوردن همه خواسته ها، درست نیست و او را به سمت توجیه و وانمود کردن خلاف واقع می کشاند. برای مثال، برخی والدین به کودکان خود فشار می آورند تا حتماً دکتر یا مهندس شوند، بدون اینکه استعداد، توانایی و علاقه او را در نظر بگیرند و این امر موجب می شود تا کودک یا نوجوان برای فرار از فشار یا توجیه به انواع خطاها روی آورد؛ زیرا کودکان و نوجوانان از اینکه آنان را تنبل یا بی عرضه خطاب کنند، واهمه دارند. پیامبر اکرمدر حدیثی برای والدینی که آنچه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده، از او قبول کنند و

آنچه را که انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرساست، از او نخواهند دعا فرموده است.

والدین باید ابتدا به کودک مسؤولیت های كوچك و ساده واگذار کنند، به طوری که کودک توانایی انجام آن ها را داشته باشد؛ چنانچه توانست این مسؤولیت را انجام دهد، او را تشویق نمایند و مسؤولیت های دیگری به عهده اش بگذارند؛ اما چنانچه از عهده این کار برنیامد، مانند يك دوست صمیمی و مهربان، بدون سرزنش به او بگویند که با کمی کوشش و دقت می تواند آن کار را انجام دهد. با چنین شیوه ای بعدها کودک از عهده کارها و مسؤولیت هایی بر خواهد آمد که انتظار آن را نداشته اند. بدین ترتیب، هم در او احساس مسؤولیت و اعتماد به نفس را تقویت کرده اند و هم او دیگر نیازی به اظهار وجود خویش از راه های نادرست نیست.

اکرام و همدردی با فرزند و پرهیز از بازجویی و سوال پیچ کردن وقتی کودکان کار خلافی را انجام می دهند والدین از خشم برافروخته می شوند، به خصوص وقتی که آشکار است؛ مثلاً شنیدن پافشاری کودک در اینکه به رنگ دست نزده است یا شکلات نخورده است، وقتی که صورت و پیراهنش خلاف گفته اش را می رساند برای والدین بسیار خشم آور است. در تربیت فرزند باید مهارت اکرام اصل اساسی باشد تا او دچار عقده حقارت نشود و بعد به طور ناخود آگاه و اتوماتیک برای جبران خلأهایی که در خود احساس می کند، به انواع دروغ چنگ بزند و نقص خویش را کامل کند. پیامبر اکرم به این نکته کلیدی و طلایی در تربیت فرزند اشاره می فرماید که گل ادب و تربیت در گلدان اکرام و احترام به

شخصیت فرزند می روید و اول باید گلدان را آماده نمود و آنگاه به تربیت و ادب پرداخت: **أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ** [۳۲]؛ فرزندانان را گرامی دارید و خوب تربیت کنید تا خداوند شمارا بیامرزد.

احترام به اظهار عقیده و انتخاب فرزند تا جایی که خود مخالف شرع و عقل و به خلاف مصالح وی نباشد، نوعی اکرام اوست و رعایت آن از سوی والدین، موجب احساس شخصیت در وی می گردد و این حس خوب که اعتماد به نفس و قوت اراده را در پی دارد، مانع از تمسک و توسل به امور نادرست و خلاف واقع برای اظهار عقاید خویش می گردد. این نکته وقتی زیباتر جلوه می کند که معلوم گردد شر و خلاف، در هر شکلی که جلوه کند ذاتاً با کرامت نفس و شخصیت والای ایمانی و انسانی منافات دارد و هر جا کرامت نفس باشد، جایگاهی برای نادرستی و خلافتکاری باقی نیست. پس بسیار لازم است کرامت فرزند را حفظ کنیم تا او از زشتکاریها مصون بماند و در مقابل خودمان و دیگران موضعگیری های خلاف و گناه آلود نداشته باشد. حضرت امام علی می فرماید: **مَنْ كَرَمَتْ نَفْسُهُ قَلَّ شِقَاقُهُ وَ خِلَافُهُ**. [۳۳]؛ کسی که برای خود ارزش و عظمت ببیند، دشمنی و مخالفت او (با دیگران) کم خواهد بود.

و در فرمایشی دیگر به اصل و ریشه این رویکرد اشاره فرموده است: **مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ** [۳۴]؛ کسی که برای خود ارزش و عظمت ببیند شهوات و خواسته های نفس در نظرش پست است .

بهتر است اگر در مواردی والدین نسبت به کار خلافی از فرزند مطمئن هستند، بدون اشاره مستقیم و استفاده از واژه آن خلاف او را متوجه کار اشتباهش کنند. گاهی سرزنش و ملامت فرزند تا جایی کشیده می شود که مبدل به سرکوفت و زمینه ساز عقده می شود. در دستورات دینی نیز چنین سؤال پیچی ها ممنوع شده است چنانکه امام علی لجاجت را نتیجه این اصلاح گری غلط دانسته و می فرماید: *الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشِبُّ نِيرَانَ اللَّجَاجَةِ*. [۳۵]؛ زیاده روی در ملامت آتش لجاجت را برافروزد.

در حدیثی دیگر آن حضرت به صراحت دستور می دهد که حتی اگر کودک اشتباه هم کرده و اکنون به تناسب تربیت و ادب مورد مواخذه قرار می گیرد، حتماً راهی برای عذرخواهی و بازگشت برایش باقی بگذارید تا احساس نکند شخصیتش خرد شده و ازدست رفته است. حضرت می فرماید: *إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدَّثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعاً مِنْ ذَنْبِهِ لئَلَّا يُحْمِلَهُ الْإِخْرَاجَ عَلَى الْمُكَابَرَةِ*. [۳۶]

والدین می توانند بدون سؤال پیچ کردن یا بازجویی از کودک طی چند سؤال و جواب کوتاه سعی کنند واقعیت یا بخشی از آن را از زبان کودک بشنوند، موضوع را بزرگ و مهم جلوه ندهند و با قاطعیت اما واضح و شفاف درباره موضوع با کودک صحبت کنند.

کودکان از اینکه پدر و مادر از آن ها سؤال و پرس جو کنند، متنفرند به خصوص هنگامی که گمان می کنند والدینشان از قبل پاسخ ها را می دانند. کودکان از سؤالاتی که نقش دام رادارند بیزارند. سؤالاتی که وادارشان می کنم دروغ بگویند

و یا حقیقت را بر زبان بیاورند و خجالت بکشند. در این صورت کودک می آموزد «پدر درک می کنم. من می توانم مشکلاتم را به او بگویم.» خط مشی روشن و صحیح در برابر خلاقیت فرزند این است که از یک طرف ما نباید بازپرس بازی در بیاوریم و کودک را سؤال پیچ کنیم و موضوع را بزرگ جلوه دهیم، از طرف دیگر باید حتماً و بدون تردید، رک و پوست کنده و البته با احترام و حفظ شخصیت، با کودک حرف بزنیم.

البته روشن است که اکرام و احترام فرزند، در کنار محبت و ارضای احساس نیاز به عشق در وجود او کارساز خواهد بود در غیر این صورت خود همین اکرام اگر خالی از مهر مادری و به دوراز گرمای محبت پدرانه باشد، به دروغی نمایشی شبیه می شود! به فرزندان باید محبت کرد به گونه ای که او گرمی و لذت آن را بچشد و احساس کند، وجود محبت سبب می شود که کودک نیازی به تظاهر و تصنع نداشته باشد و به فریب رو نیاورد. البته لازمه این محبت آن است که در مواردی لغزش او را نادیده بگیرند و اگر هم خطایی مستحق تنبیه انجام داد، او را ببخشند. شاید احادیثی که به ضرورت مدارا و اغماض با کج تابی های فرزندان سفارش می کنم ناظر به این مسئله نیز باشد. حضرت امام سجاد می فرماید:

حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ وَ الْعَفْوُ عَنْهُ وَ السَّتْرُ عَلَيْهِ وَ الرَّفْقُ بِهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ. [۳۷]؛ حق خردسال این است که آن کس که می خواهد آموزشش دهد با او مهر ورزد و از خطایش درگذرد و چشم پوشی کند و با او مدارا کند و یاری اش سازد.

مهروزی متعادل با فرزندان

بسیاری از کارهای ناشایست فرزندان، ریشه در کمبود محبت والدین در فرزندان دارد. به همین جهت در احادیث تربیتی، نسبت به مهرورزی و محبت به کودکان سفارش فراوان شده است. پیامبر اکرم می فرماید: أَحِبُّوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ. [۳۸]؛ کودکان را دوست داشته باشید و به ایشان رحم کنید!

عجیب تر آنکه محبت شدید به فرزند، در واقع امری فطری است و به همین جهت نزد خدای متعال فضیلت دارد هرچند غیر اختیاری و غیرارادی به نظر می رسد. حضرت امام صادق فرمود: قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ أَي الْأَعْمَالِ فَضْلٌ عِنْدَكَ قَالَ حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي فَإِنْ أَمْتُهُمْ أَدْخَلْتُهُمْ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي. [۳۹]؛

موسی به خداوند متعال عرض کرد: خداوندا، کدام اعمال در نزد تو افضل است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن اطفال. چون من آن ها را فطرتاً موحد آفریدم. پس اگر آن ها در کودکی بهمیرانم، با رحمت خودم آن ها را داخل بهشت می کنم.

اهمیت این مسئله تا جایی است که خداوند برای صرف محبت شدید به فرزند، پاداش خاص در نظر گرفته است. امام صادق فرمود: إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْوَالِدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ لَوَلَدَهُ. [۴۰]؛ خدای تعالی به خاطر شدت علاقه پدر به فرزند، به پدر رحم می کند.

شیوه عملی خود آن بزرگواران به عنوان مربیان کامل بشریت، حاکی از چنین محبت خاص و عمیقی نسبت به کودکان است هرچند فرزند خودشان نباشد و این مسئله گویی به همان فطری بودن موضوع برمی گردد و اهمیت آن را صدچندان می کنم. حضرت امام صادق می فرماید: كَانَ النَّبِيُّ إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَي رُءُوسِ وُلْدِهِ وَ وُلْدِ وُلْدِهِ وَ صَلَّى بِالنَّاسِ يَوْمًا فَخَفَّفَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ خَفَّفْتَ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ أَمْرٌ فَقَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالُوا خَفَّفْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ أَوْ مَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ. [۴۱]؛

پیامبر وقتی صبح می شد دستش را بر سر فرزند و فرزند فرزندش می کشید و روزی با مردم نماز می گذاشت ولی دو رکعت آخر نماز را کوتاه نمود وقتی تمام شد مردم عرضه داشتند: ای رسول خدا! دیدیم که نماز را کوتاه کردی آیا به هنگام نماز کاری پیش آمد؟ فرمود کار چه بود؟ گفتند: در دو رکعت آخر، نماز را کوتاه کردی. حضرت فرمود: آیا ناله طفل را نشنیدید!

مردی از انصار به آن حضرت گفت: به چه کسی نیکویی کنم؟ فرمود: به پدر و مادرت. عرضه داشت: آن دو مردند. فرمود: به فرزندت نیکویی کن. [۴۲]

محبت به فرزندان در نظر خداوند، چنان اهمیت دارد که جلوه های گوناگون آن مانند نوازش؛ بوسه؛ شاد کردن و راضی نمودن آنان هرکدام به طور جداگانه مورد عنایت قرار گرفته و دارای پاداش مجزا معرفی شده است و نبوسیدن فرزند، با عقاب الهی روبه رو خواهد شد. در زیر به مواردی از این احادیث اشاره می شود:

پیامبر خدایر عثمان بن مظعون وارد شد درحالی که او کودک خردسالی که همراهش بود را می بوسید. به وی فرمود: ای عثمان! آیا او را دوست داری؟ گفت: آری، به خدا ای پیامبر خدا! من او را دوست دارم. فرمود: آیا محبتت را نسبت به او زیاد کنم؟ گفت: آری، پدرم و مادرم فدای تو باد! فرمود: إنه من یرضی صبیا له صبیرا من نسله حتی یرضی ترضاه الله یوم القیامة حتی یرضی. [۴۳]

کسی که کودکی از نسلش را خشنود سازد تا اینکه او خرسند و راضی گردد، خداوند روز قیامت او را خشنود می سازد تا آن جا که او خرسند شود.

امام صادق فرمود:

مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَانَ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۴۴]؛

هر کس فرزندش را ببوسد حسنه ای برای او نوشته می شود و هر کس او را خوشحال سازد، خدای تعالی او را خوشحال می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

اَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةِ اَوْلَادِكُمْ فَاِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ. [۴۵]؛ فرزندانتان را بسیار ببوسید که برای شما در قبال هر سه بوسه درجه بی در بهشت است که اندازه آن پانصد سال راه است.

مردی به خدمت پیامبر آمد، عرضه داشت من هرگز فرزندم را نبوسیدم. وقتی بازگشت پیامبر فرمود: هَذَا رَجُلٌ عِنْدَنَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ. [۴۶]؛
این در نزد ما مردی از اهل آتش است.

پیامبر فرمود: مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ، كَتَبَ اللَّهُ- عز و جل- لَهُ حَسَنَةً؛ وَ مَنْ فَرَّحَهُ ، فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۴۷]؛ کسی که فرزندش را ببوسد، خداوند برایش پاداشی می نویسد و هر کس شادش کند، خداوند متعال روز قیامت او را شاد خواهد نمود.

پیامبر فرمود: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا: الْفَرْحُ، لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَّحَ الصَّبِيَانَ [۴۸]؛
خانه ای در بهشت است که به آن [خانه] شادی گفته می شود و جز کسی که
کودکان را شاد کرده باشد، وارد آن نمی گردد.

از ظاهر احادیث فوق روشن می شود که مسئله توجه مهرآمیز به فرزند، دارای آثار بابرکت و بی توجهی در این زمینه، منشأ بسیاری از نابسامانی های روانی و اخلاقی است که دروغ گویی یکی از آن هاست.

کودکانی که مورد توجه والدین و اطرافیان قرار نمی گیرند، به خاطر خودنمایی و جلب توجه، به هر کاری دست می زنند تا مورد توجه قرار گیرند. این امر در خانواده هایی که پدر و مادر به علت گرفتاری های شغلی و یا مشکلات خانوادگی به کودکان خود توجهی ندارند، زیاد دیده می شود؛ زیرا در این

خانواده ها کودک خود را طرد شده احساس می کنند و فکر می کنند که حرف ها و کارهایش مورد پسند نیست و کسی او را دوست ندارد.

روشن است در این مورد نیز مانند سایر موارد باید اعتدال و میانه روی مدنظر باشد و چنان نباشد که محبت موجب جرئت و جسارت کودک نسبت به پدر و مادر و یا دیگران باشد. محبت تا حدی مورد نظر است که حریم و حدود احترامات حفظ شود و چنان نباشد که فرزند نسبت به دیگران جسور و جری باشد.

محبت در اسلام، نوعی تربیت صحیح و درست و منطقی و حریم قائل شدن به رفتار و کردار متقابل فرزند به والدین و دیگران است و بهتر اینکه محبت به حد افراط و تفریط نرسد که آنگاه نه تنها به نفع کودک نیست، بلکه به ضرر اوست و در دین مبین اسلام نیز از این گونه محبت نهی شده است.

امام صادق فرمود: شَرُّ الْآبَاءِ مَنْ دَعَا الْبُرِّ إِلَى الْإِفْرَاطِ. [۴۹]؛

بدترین پدران - والدین - کسانی هستند که نسبت به فرزند در محبت افراط کنند.

ما می توانیم فرزند توانمند به جامعه دهیم و یا فردی لوس که از پس انجام هیچ کاری بر نمی آید. همه پدر و مادرها به فرزندشان علاقه دارند و این علاقه را با ابراز محبت خود به آن ها نشان می دهند؛ اما گاهی اوقات پیش می آید که

این محبت کردن جنبه افراطی به خود می گیرد و جای محبت کردن با لوس کردن عوض می شود.

لوس شدن بچه ها خطراتی را برای آینده آن ها به وجود خواهد آورد. خطراتی همچون، متوقع بودن از دیگران، بی مسئولیتی، حریص بودن، عدم پذیرش سخنان دیگران و ... به همین دلیل بسیاری از والدین این نگرانی را در خود احساس می کنند که شاید به طور نا خواسته با محبت های خود باعث لوس شدن فرزندشان شود و در آینده نتوانند جلوی این مسیر را بگیرند.

[۳۸] ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۸۸.

[۳۹] طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ص ۲۳۷.

[۴۰] ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۸۸.

[۴۱] همان، ص ۸۹.

[٤٢] همان.

[٤٣] كنز العمال، ج ١٦، ص ٥٨٥.

[٤٤] ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ٨٨.

[٤٥] شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل، ج ٢١، ص ٤٨٥.

[٤٦] ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ٨٩.

[٤٧]. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ج ١١، ص ٤٤٨.

[٤٨]. متقی هندی، كنز العمال، ج ٣، ص ١٧٠.

[٤٩]. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ٣، ص ٥٣.

ضرورت اعتدال در آزادی و محدودیت

بعضی از والدین به غلط چنین می‌پندارند که لازم؟ عقده ای نشدن فرزندان این است که آنان را به حال خود واگذارند. این دسته از والدین اغلب سبک تربیتی سهل‌گیرانه را پیش گرفته و از امر و نهی به فرزندان و جدیت در برابر آنان غفلت ورزیده‌اند. اینان آزادی بی‌حدی را به فرزندان خویش داده و از مشخص کردن انتظارات تربیتی خود غافل مانده‌اند. نتیج؟ آشکار این سبک تربیتی، غفلت والدین از آموزش و انتقال ارزش‌های حاکم بر جامعه به فرزندان خویش است. این‌گونه والدین متأسفانه از سبک تربیتی دقیق و صحیح‌تری به نام سبک تربیتی قاطع و اطمینان‌بخش که لازم؟ آن داشتن انتظارات مشخص از فرزندان، وقت گذاشتن برای آنان و محبت و نوازش بی‌دریغ است، غفلت ورزیده‌اند. این روش تربیتی مطمئناً در انتقال ارزش‌های فرهنگی و تربیتی جامعه به فرزندان خویش کمتر مشکل‌ساز می‌شود و فرزندان از يك سو احساس آرامش و آسایش می‌کردند و از سوی دیگر ارزش‌های جامعه را درونی می‌ساختند.

در نقطه مقابل، گاهی اوقات والدین به این فکر می‌افتند، حالا که بچه‌ها بزرگ شده‌اند و تمام ابزار قدرت برای

کنترل آن‌ها ازدست رفته، بهتر است به تهدیدشان پردازند. نظیر اینکه بگویند: تا وقتی در خان؟ من هستی، باید از قوانین من پیروی کنی. اگر نمی‌توانی، فوراً باید خانه را ترک کنی و از اینجا بیرون بروی، این والدین تهدیدشان را به جایی می‌رسانند که بعد باید هزینه‌گرافی (ترک خانه و خانواده توسط نوجوان) پردازند. ضرر آزادی بیش از حد، به اندازه محدودیتهای بی‌مورد و غیرمنطقی است که به هر حال همچون زخمی چرکین، زمانی سرباز خواهد کرد. اگر خانواده از ترس اینکه مبادا فرزندش اشتباهی مرتکب شود امکان هر تجربه‌ای را از او گرفته و همچون کودکی خردسال با نوجوان خود رفتار کند، اعتماد به نفس را برای او معنی نکرده است. نوجوانی که همیشه با محدودیت رفتاری مواجه بوده و فرصتی برای رشد اجتماعی به دست نیاورده، اگر با وضعیتی چون شکست یا عدم توفیق در کارها روبرو شد چه واکنشی از خود نشان خواهد داد؟ او تحت هیچ شرایطی تصمیم‌گیری و برخورد با مشکلات را تجربه نکرده است و طبیعی است که نه تنها در زمان حال بلکه در آینده نیز به جای تجربه اندوزی و قرار گرفتن در جریان مواجهه زندگی، به دنبال یک حامی، یک نکت؟ اتکا و و ساحلی امن و آرام خواهد بود چنین نوجوانانی تغییر را به ندرت می‌پذیرند و همیشه سعی در حفظ وضعیت باثبات دارند و آیا چنین کسی در دنیای سراسر تغییر و تحول امروزی که هر لحظه، حادثه‌ای ثبات را برهم زده و دگرگونی‌های کلی یا جزئی را سبب می‌شود جایی برای موفقیت و کامیابی خواهد داشت؟

هم بازی شدن با فرزند

بازی هرچند رفتاری ساده است، اما می تواند مسائل زیادی را به فرزند بیاموزد. وقتی فرزند انسان کودکی خود را به وسیله بازی ارضا نکرده باشد در بزرگسالی رفتارهای کودکانه از او سر می زند. در آموزه های دینی ضمن تشویق ما به بازی با کودکان، خواسته اند که مثل خودشان بازی کنیم و نیز مانعی برای بازی کودکان نباشیم. امام علی علیه السلام می فرماید: هر کس کودکی دارد با او کودکی کند. [۵۰] و امام کاظم علیه السلام می فرماید: بازیگوشی (شیطنت) پسر در دوران کودکی پسندیده است برای اینکه در بزرگسالی بردبار شود. [۵۱]

[۵۰] کافی ج ۶ ص ۴۸

[۵۱] من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۹۳

تمرکز خاص بر مسئله فضای مجازی

عصر حاضر را «عصر جریان های اجتماعی و تحول» نیز نامیده اند؛ تحول در عقاید، انگاره ها، پیام ها و ارزش ها. در چنین برهه ای از زمان که فضای مجازی جهان را به دهکده ای کوچک مبدل کرده و مردم جهان را از کوچک و بزرگ بافرهنگ و باورهای متفاوت با یکدیگر مرتبط نموده، مباحث تربیتی فرزندان را با چالش روبه رو ساخته است. اکنون نسل کنونی در شرایطی قرار دارد که استفاده از رایانه و به خصوص اینترنت در زندگی شان اجتناب ناپذیر است. در میان فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی که ساختار اطلاعاتی جوامع امروز را تغییر داده اند، رسانه اینترنت که فضای مجازی را در زندگی واقعی انسان وارد کرده، از ویژگی های خاصی برخوردار است و تأثیرگذاری آن در بخش های مختلف زندگی انسان، روزبه روز در حال افزایش است. شبکه اینترنت به نوعی توانسته همه رسانه های نوین را در خود جای دهد. اینترنت به علت دارا بودن ویژگی های خاصی مانند دسترسی به فضای مجازی سرگرمی و تفریحی، ظرفیت بالای نگهداری اطلاعات، قابلیت استفاده گسترده از بایگانی های عظیم و غنی رسانه های متنی، صوتی و تصویری، تعامل دوسویه، تمرکززدایی، چندرسانه ای بودن، جمع زدایی، عدم پایداری به زمان و سرعت دسترسی به اطلاعات بدون کنترل، فرزندان را بیشتر از رسانه های دیگر به خود جلب نموده است. این ابزار به خودی خود می تواند رقیبی برای والدین محسوب شده و فرزندان را از بسترهای تربیتی والدین جدا سازد. اگر قصد داشته باشیم که بر اساس موازین اسلام تربیتی صحیح و هدفمند را برای فرزندانمان در پیش بگیریم، نخست باید مانع دسترسی فرزندان به اطلاعات و آموزه هایی شویم که با روش ها و مفاهیم تربیتی اسلام مغایر و در تضاد است. برخی از این اطلاعات، موجب خنثی شدن تلاش های تعلیم و تربیتی والدین شده، با اهداف گوناگون و بعضاً انحرافی روی اینترنت قرار می گیرد. در فضای وب، فرزندان ما با مسائل جذابی روبه رو می

شوند که توجه آنان را به خود جلب می کنند و همین جذابیت است که احتمال الگو قرار گرفتن آن ها از سوی فرزندان ما را افزایش می دهد.

بنابراین در مسئله فضای مجازی نه باید و نه می توان فرزند امروزی را از آن دور نگه داشت و نه می تواند او را با آفات و خطرات آن تنها گذاشت بلکه باید با روش های پیشگیرانه و منطقی، رفتار فرزند در قبال آن را مدیریت کرد.

بخش سوم: راهکارها و راه حل هایی درباره تربیت فرزندان

راهکارهای اساسی

آداب رفتاری مختص به نوجوانان

اختصاص زمان به فرزند

با توجه به اوضاع حاکم اقتصادی به ویژه در جامعه امروزی که والدین هر دو به اشتغال در بیرون از خانه مشغول اند، قرارداد زمان خاص برای فرزندان و توجه همه جانبه به آنان بسیار کم‌رنگ شده است؛ اما در هر حال ضرورت روزمره، اهمیت و اصالت این موضوع را منتفی نم‌کند و این مهم بایسته‌هایی می‌طلبد از جمله:

باکیفیت و پرمحتوا باشد و در آن خدمات جسمی و عاطفی و روانی به فرزند داده شود؛ در کنار زمان اختصاصی به همه فرزندان برای سرگرمی و صحبت و ... زمانی نیز (هرچند کوتاه) برای هر کدام از فرزندان در نظر گرفته شود؛ متنوع باشد و شامل زمان آموزش، بازی، همراهی با کودک، خرید و ... باشد

جایگاه تنبیه و معنای دقیق آن

هرچند تأدیب جسمانی و کتک زدن، مردود است اما تنبیه به عنوان يك عنصر بازدارنده و انذار دهنده، جای خود را در آداب رفتار با فرزند و تربیت او، با رعایت شرایط خاص و اعتدال و نیز با نیت و انگیزه الهی دارد. البته در موارد حادثه، می‌تواند موضع شدیدی گرفت و پس از بیان خطاهای فرزند، آن را به رخ کشید و به او تفهیم کرد که ما می‌دانیم! لازم است این مرحله پس از همه تذکرات، اخطارها و اندرزها باشد و آن چنان نباشد که در حضور جمعی

صورت گیرد و او در این زمینه احساس حقارت کند، چون هنگامی که کودک خود را رسوا ببیند سر از کارهای خطرناکی درمی آورد و حرفه ای می شود.

به عنوان مثال وقتی فرزند به فحش دادن رو می آورد سعی کنید در مراحل ابتدایی، فحاشی فرزندتان را نادیده بگیرید اما اگر راهکار بی توجهی جواب نداد و در دفعات بعدی هم شاهد تکرار کلمه ناسزا از سوی فرزندتان بودید، چاره ای ندارید جز اینکه خیلی جدی با فرزندتان صحبت کنید. با کودک صحبت کنید و به او بگویید که در صورت فحاشی و استفاده از کلمات نامناسب، او را تنبیه می کنید. این تنبیه باید با توجه به سن کودک و میزان اصرار او بر رفتار نامناسبش تعیین شود. می توانید پس از هر بار فحاشی از او بخواهید دقایقی به اتاقش برود و در آنجا تنها بماند تا مثلا زمان ۵ یا ۱۰ دقیقه ای سپری شود. یا می توانید در صورتی که به رفتارش ادامه داد برای او محدودیت هایی در نظر بگیرید؛ مثلا از دیدن برنامه موردعلاقه اش محرومش کنید یا برنامه تفریح و پارکی را که داشته لغو کنید.

در مواردی هم که فرزند مشغول کار خطا شده و مستقیم به چهره والدین نگاه می کند، می تواند از مهارت هایی همچون: مدیریت نگاه به فرزند؛ ابراز بی توجهی به گفته او؛ اظهار کاهش محبت موقتی نسبت به فرزند و مچ گیری محترمانه (در حد نیاز) استفاده کرد.

هم چنین می تواند از وقوع همین اندازه تنبیه معقول و منطقی نیز تا حدی جلوگیری کرد، آن هم با استفاده از سیاست هشدار و تهدید قبلی. به این معنا که فرزند هرازگاهی در امواجی از پیام های هشداردهنده در مورد کار نادرست او و زیان ها و پیامدهای آن قرار گیرد. می تواند از پیام هایی با مضامین «دروغ گو دشمن خدا و دوست شیطان است.» و یا «من هرگز بچه های بی ادب را

دوست ندارم.» یا «هر بچه ای تمیزتر باشه پیش من عزیزتر و در چشم قشنگ تره.» و ... استفاده کرد.

اصالت دادن به تشویق

هراندازه عنصر بازدارندگی در تنبیه وجود دارد، باید از مهارت تشویق و ترغیب نیز استفاده کرد و اگر يك بار به خاطر دروغ گویی، تنبیه معتدلی صورت گرفت باید درازای آن اگر صداقتی مشاهده شد و به ویژه درجایی که می توانست دروغ بگوید، اما راست گفت، بارها و بارها و باکمال محبت صمیمیت مورد تشویق قرار گیرد و جو تشویق و ترغیب باید به گونه ای در فضای عمومی خانواده حاکم و نمودار باشد که فرزند یقین داشته باشد اگر بخواهد بیشتر از پیش در دل والدین و دیگران جا کند و بیشتر دوستش بدارند، باید از بدی ها دوری کند و به نوبه روی بیاورد. والدین لازم است به طور مشخص نشان دهند که علاقه خاص آنان به فرزندشان به میزان خوبی ها و رعایت اخلاقیاتی است که انجام می دهد و هر بار که کار بدی را کنار می گذارد، بلافاصله مزه شیرین تشویق را می چشد ولو با يك بوسه و نوازش و لبخند و تجربه آغوش گرم و پرمهر والدین. البته مهارت تشویق سازوکارهای گوناگونی دارد به عنوان نمونه والدین می توانند تفریحات برنامه ریزی شده بین خودشان را تحت عنوان جایزه راست گویی فرزند اجرا کنند و ...

اکرام و پرهیز از سؤال پیچ کردن

وقتی پسر بچه ای به ما خبر می دهد که برای عید، فیل زنده ای را به عنوان هدیه سال نو دریافت کرده، اگر پاسخ دهیم «تو دلت می خواست این طور بود؟» یا «تو دلت می خواهد يك فیل داشتی؟» مفیدتر خواهد بود تا اینکه با سؤال پیچ کردن و ردیف کردن پرسش های بازجویانه، دروغ گویی او را ثابت کنیم و دست به انکار گفته او بزنیم

روش های صحیح حرف زدن

یکی از روش های ارتباطی با کودکان، حرف زدن است. والدین باید آداب درست این رویکرد با بشناسند که زیلا به برخی از اصول آن اشاره می شود.

پرهیز از اعتراض پیاپی

بسیاری از والدین برای این که فرزندشان تکالیفش را درست انجام دهد یا غذایش را کامل بخورد، مدام سر او غر می زنند و اعتراض می کنند. این رفتار به

هیچ عنوان مناسب و پاسخ گو نیست. این کار باعث می شود تا کودک لج کند و درست برعکس آن را انجام دهد. این مسئله همچنین باعث می شود تا فرزند از زمان هایی همچون غذا خوردن فرار و سعی کند خودش را به کاری دیگر مشغول کند.

پاسخ کوتاه

والدینی که با پاسخ کوتاه، فرزند را مجبور می کنند از آن ها اطاعت کند، به هیچ عنوان روش درستی برای تربیت کودک خود انتخاب نکرده اند. با گفتن عبارت: «برای اینکه من میگویم!» باعث می شوید تا کودک هرگز به چرایی مسائل فکر نکند. قدرت تحلیل و پرسش گرایی را از او می گیرید. یا گفتن عبارتی همچون: «هر چه من می گویم را باید انجام دهی.» به این مفهوم است که هیچ احترامی برای فرزند خود قائل نیستید و او نیز در مقابل، به شما احترام نخواهد گذاشت. برای تربیت صحیح فرزندان، برای پاسخ به سوالات او زمان بگذارید و با صبر کامل و مرتبط به او پاسخ بدهید.

بسیار مهم است که واقعاً برای کودکان ارزش قائل شوید. هنگام صحبت با فرزند خود، گوشی موبایل را کنار بگذارید و باهم حواس به حرفه ای او گوش فرا دهید و به چشمان او نگاه کنید. این باعث می شود تا اعتماد به نفس پیدا کنند.

رفتار کودکانه

کودکان بسیار باهوش تر از آن هستند که تصور می کنید. لازم نیست صدای خود را کودکانه کنید یا با کلمات خیلی بچه گانه با او حرف بزنید تا به حرف هایتان گوش کنند. کودکان مکالمات مردم با یکدیگر را می شنوند و کودکانه حرف زدن را نوعی اهانت به خود می دانند

اظهار توجه خاص در هنگام صحبت

کودکان دوست دارند برای آن ها ارزش قائل شوید. به همین دلیل بسیار مهم است که واقعاً برای آن ها ارزش قائل شوید. هنگام صحبت با فرزند خود، گوشی موبایل را کنار بگذارید و باهم حواس به حرفه ای او گوش فرا دهید. این باعث می شود تا اعتمادبه نفس پیدا کنند و آن حس ارزشمندی که دنبالش هستند را از شما بگیرند.

زیاد حرف زدن

تحقیقات کارشناسان ثابت کرده است که مغز هر انسانی می تواند در هر مرتبه، به طور متوسط ۵ تا ۹ موضوع را به خاطر بسپارد. به همین دلیل است که کودکان وقتی بیشتر از ظرفیت خود می شنوند، دیگر تمایلی به گوش کردن ادامه حرف ها ندارند. اگر می خواهید مسائل زیادی به فرزند خود بیاموزید، آن را به چندین بخش کوتاه تقسیم کنید تا نتیجه بهتری داشته باشد.

عدم استفاده از واژه های محکوم یا سرزنش کننده

هرگز از واژه هایی که باعث ایجاد حس گناه در کودک می شود، استفاده نکنید. کودکان از همان ابتدا حس همدردی ندارند و بسیاری از چیزها را نمی توانند درک کنند. نباید برای اشتباهاتی که انجام می داند، خیلی آن ها را مواخذه و سرزنش کنید.

عدم تهدید غیرمنطقی

هدف از بزرگ کردن کودک، این نیست که او را مطیع و فرمان بردار خود تربیت کنیم. باید به کودکان فرصت فکر و خطا کردن بدهید. تهدید کردن کودک باعث می شود تا اعتماد به نفس او از بین برود و در بزرگ سالی دچار مشکل بشود.

فراگیری گفتگو

گفتگوی طرفینی با فرزند باید از جمله آداب روزمره زندگی باشد. نمونه های يك گفتگوی خوب می تواند چنین باشد: استفاده از جملات تحسینی؛ استفاده از تشویق کلامی؛ دادن اجازه اظهار نظر به کودک؛ پاسخ دادن به سوالات و کنجکاوی ها؛ گفتگوی هدایت شده برای حل مسائل و ...

فراهم نمودن فعالیت های سرگرم کننده

یکی از وظایف والدین فراهم نمودن زمینه های سرگرمی سالم برای کودکان است. اگر چنین فضایی در نظر گرفته شود کودک کمتر اظهار بی حوصلگی نموده و نسبت به مدیریت والدین احساس بهتری خواهد داشت. برخی از این فعالیت ها می تواند چنین باشد: تدارک و طراحی بازی های فکری؛ سی دی های مناسب و محدود همراه با وضع قوانین استفاده از آن ها؛ ایجاد فضای سرگرمی کنترل

شده؛ ارتباط با یکی از اقوام یا همسایگانی که فرزند همسال او دارند و از نظر فرهنگی نزدیک هستند؛ داشتن برنامه بردن به پارک؛ به کارگیری خلاقیت در روش و برنامه های سرگرم کننده و ..

حاکمیت منطق در اجابت خواسته ها

فرزند در يك خانواده باید بر این مسئله آگاهی داشته باشد که هر کس باید مسئولیتی را بر عهده داشته باشد. پس والدین باید مسئولیت هایی مطابق با توانایی های کودکشان بر عهده او بگذارند.

والدین باید بتوانند میان خواسته های فرزندشان و نیازهای اساسی او تفاوت بگذارند. زمانی که فرزند از کودکی عادت کرده است که هر آنچه را که خواسته در اختیار داشته باشد با بزرگ شدن او دچار مشکلی جدی خواهند شد؛ زیرا دیگر نمی توانند این روند را متوقف نمایند. این مسئله باید در همان دوران که کودک زبان باز نکرده و با گریه و نق نق کردن به خواسته هایش رسیده است، متوقف شود. والدین باید بتوانند این موضوع را درک کنند که آیا خواسته ای که فرزندشان دارد از روی نیاز است و یا از روی بی نیازی؛ و همچنین باید به این مسئله واقف باشند که گاهی اوقات باید به خواسته کودکان «نه» گفت؛ و در بعضی مواقع خواسته آن ها را با تأخیر اجابت نموده تا به این وسیله خویشتن داری و صبر را در کودکان افزایش یابد.

والدین باید این توانایی را در خود تقویت نمایند که در مقابل درخواست های حریصانه فرزندشان پاسخ فوری ندهند. بهتر است در این مواقع به کودک گفته شود «شاید دفعه بعد برایت این اسباب بازی را خریدم.» و یا اینکه «عزیزم می تونی پول توجیبی هایت رو جمع کنی و اون چیزی رو که می خوای بخری من هم کمکت می کنم.» و مثال هایی از این دست.

آگاهی بخشی غیرمستقیم

مناسب است والدین در مورد بهترین و بدترین کارهای اعضای بدن که می تواند انجام بدهد، از فرزند سؤال کنند. یکی از دلایل رفتار هرروزه خودتان مثل نماز، سلام کردن به دیگران و... را رعایت ادب بدانید و دلیل این کار را برای او توضیح بدهید.

قانونمندی

خوب است والدین و فرزندان باهم چند قانون ساده برای آنکه رابطه شان خوب بماند تنظیم کنند و در اتاقی نصب کنند تا اگر کسی خلاف آن عمل کرد معلوم

شود و تذکر بگیرد؛ و البته لازم است والدین هم اگر خلاف کردند باکمال صداقت و جدیت تاوان آن را بر عهده بگیرند.

ادب عملی

در اوقات فراغتتان مهمانی بگیرید یا مهمانی بروید، به خانه سالمندان سر بزنند و در جایگاه های مختلف خانوادگی و اجتماعی شرایطی متنوع فراهم آورند و در منظر دیدگان فرزندان آداب را مراعات کنند تا بچه ها ادب عملی شمارا بیاموزند.

تقویت احساس مفید بودن

لازمه موفقیت این است که فرزند در میان همگنان خود احساس مفید بودن کند و این احساس که باید در محیط طبیعی و در خلال بازی های گروهی و فعالیت های دسته جمعی خلق شود، چیزی نیست که به طور تصنعی به او تزریق کنیم. شایسته است نقاط مثبت رفتاری فرزند را بزرگنمایی نموده و اثرات مفیدی که کارهایش احيانا برای خود؛ خانواده و دیگران دارد را موردگفتگو قرار

دهیم و حتی والدین می توانند با توافق پنهانی، زمینه کاری که فرزند به خوبی از پس آن برمیاید را فراهم نموده و آنگاه از آثار و فواید آن اظهار خوشحالی نمایند.

پرهیز از دین زدگی فرزند

گاهی در خانواده های مذهبی بیشتر از دیگر خانواده ها لازم است که روح حاکم بر خانواده، سرشار از شادی و نشاط و سرگرمی و تفریحات سالم باشد. در کنار توجه تام و اصالت گونه به امور مذهبی مثل رفتن به مسجد و شرکت در جلسات مذهبی و زیارت ها و ... رویکرد خاصی نسبت به تفریحات سالم لازم است مانند رفتن به سینما و پارک و گردش های شاد و مسافرت های تفریحی و دیدار از آثار باستانی و ... تا فرزند بداند که دین اسلام و آموزه های آن، تنها به جنبه باطنی توجه ندارد و بلکه جنبه جسمی و لذایذ مادی به عنوان پلی برای رسیدن به معنویات مطرح است.

آداب رفتاری مختص به نوجوانان

شرکت در گفتگوهای خانوادگی

خانه ای که در آن والدین و نوجوانان فرصت بیان نظرات خویش را نسبت به اشیاء و موضوعات موردعلاقه خود داشته باشند فرصت مناسبی برای یادگیری به نوجوانان می دهد که هیچ مدرسه ای نمی تواند با آن برابری کند، نوجوانان از گفتگوهای سر غذا، بیش از تمام مدت روز در مدرسه چیز یاد می گیرند.

زمینه سازی مسیر موفقیت

نوجوانان نیز مانند بزرگ سالان، در اثر موفقیت های متناوب به موفقیت خو می گیرند. آن ها به خود اطمینان پیدا کرده و از خویشان انتظار موفقیت دارند. این گونه کودکان در مدرسه موفق و در خانه شاد و مسرور هستند. شکست نیز شکست های بعدی را به دنبال دارد. نوجوانان به موفقیت های روزانه احتیاج دارند. آن ها باید آگاهی یابند که والدینشان از موفقیت آن ها اطلاع حاصل کرده و به وجودشان افتخار می کنند. والدین باید به نوجوانان بفهمانند که موفقیت يك رؤیای دور و غیرقابل دسترسی نیست. بلکه موفقیت در زمان حال هم موجود و ممکن است

انجام هر کار به نحو احسن

وقتی به نوجوان مسئولیت خیلی زیاد بدهید، نگرانی او گسترش می یابد. اگر مسئولیت خواسته شده از نوجوان بسیار اندک باشد، نوجوان وابسته و تابع بار می آید. بین این دو يك محوطه وسیع و پهنآوری وجود دارد که نوجوانان در آن شاد، موفق و آرام می باشند. این همان روابطی است که والدین باید برای دست یافتن به آن کوشش کنند.

والدین در اعمال کنترل و انضباط باید تا جایی پیش روند که نوجوانان اخذ تصمیم را فرابگیرند. همزمان با این، نوجوانان باید مسئولیت تمیزی، نظافت و نگهداری از اتاق و سائل شخصی خویش را به عهده بگیرند.

کاهش ترس از شکست

وقتی به نوجوان مسئولیت خیلی زیاد بدهید، نگرانی او گسترش می یابد. اگر مسئولیت خواسته شده از نوجوان بسیار اندک باشد، نوجوان وابسته و تابع بار می آید. بین این دو يك محوطه وسیع و پهنآوری وجود دارد که نوجوانان در آن شاد، موفق و آرام می باشند. این همان روابطی است که والدین باید برای دست یافتن به آن کوشش کنند.

والدین در اعمال کنترل و انضباط باید تا جایی پیش روند که نوجوانان اخذ تصمیم را فرابگیرند. همزمان با این، نوجوانان باید مسئولیت تمیزی، نظافت و نگهداری از اتاق و سائل شخصی خویش را به عهده بگیرند.

تشویق و تقویت استعداد های خاص

اگر نوجوانان به هنر علاقه مند است و تقریباً همه وقت خود را صرف آن می کنم، یا عاشق آثار هنری بوده و خود به خلق آثار هنری می پردازد، تمام این علائق و فعالیت ها مفید هستند. البته تا جایی که به نمرات مدرسه و توانایی تحصیلی اش لطمه ای وارد نشود. در غیر این صورت والدین باید دست به اقدام بزنند. برای يك دختر و پسر جوان این امکان وجود دارد که شانس موفقیت خود را در پی کسب چنین تجربه هایی از دست بدهند. نگذارید که این اتفاق برای فرزندان شما پیش بیاید. اگر والدین سعی نکنند علاقه ای را که نوجوان قبلاً داشته از بین ببرند، بیشتر موفق خواهد شد. بگذارید که او علاقه، خود را حفظ کند و در همان موقع او را تشویق کنید تا به موضوعات دیگر نیز علاقه مند گردد. مخصوصاً به موضوعات درس مدرسه.

تقویت و تشویق خلاقیت ها

نوجوانان گرایش و میل پایدار و خاموش نشدنی برای خلاقیت، ساختن و اکتشاف دارند. کنجکاوی خلاقیت در وجود آن‌ها نهفته است و رشد طبیعی آن‌ها بدون وجود این عوامل و خصوصیات دچار وقفه می‌گردد.

وقتی نوجوان تصویر عجیب و غریبی به مادر خود نشان می‌دهد، مادر می‌گوید: عجب تصویر قشنگی! راجع به این برایم صحبت کن. این مادر هرگز این اشتباه را نمی‌کند که بگوید: تو یک اسب کشیده‌ای در صورتی که ممکن است منظور نوجوان تصویر کشتی بوده باشد.

اگر والدین این اشتباهات را تکرار کنند، ممکن است نوجوان سعی خود را در ترسیم نقاشی کنار گذاشته و یا نتیجه کوشش‌های هنری خود را دیگر به مادر نشان ندهد.

آموزش روش و سبک ارتباط ورزی

نوجوانان نیاز دارند تا در به هم پیوستن نظریات، نیازمندی‌ها و افکارشان و بیان آن‌ها به صورت کلامی، تمرین کنند. خواندن کتاب، نوجوان را کمک می‌کند تا لغت‌های جدیدتری یاد بگیرد و مطالب و اهداف خود را بهتر بازگو کند. در گوش دادن داستان بی‌پایان نوجوان صبر و حوصله نشان دهید. این همان طریقی است که نوجوان لغات تازه را یاد می‌گیرد. زیاد به او تذکر ندهید

(مطالب را دردهان او بگذارید). نوجوان باید یاد بگیرد که در صورت لزوم شخصاً مطالب خود را بیان نماید

راهکار های اختصاصی برای فضای مجازی

گسترش روابط اجتماعی و تقویت این روابط با شیوه های مختلف (برگزاری جلسات، حل مسائل بدون وجود موبایل، خاموشی موبایل در مهمانی ها و صحبت رو در رو و حضوری و...) است.

آموزش های لازم به خانواده و جوانان به خصوص آشنایی بیشتر والدین به این فضاها و کنار گذاشتن ارتباطات سنتی، راهنمایی و صحبت با فرزندان در خصوص استفاده بهینه از شبکه ها مجازی و برقراری ارتباط محکم و استوار و صمیمی با فرزندان.

تقویت باورهای دینی و اعتقادی خود در بین خانواده، با پررنگ شدن این باورها بچه ها کمتر در معرض آسیب های فضای اینترنت قرار می گیرند.

قراردادن رایانه خانوادگی در محلی که برای همه قابل مشاهده و در دسترس باشد.

اختصاص يك ساعت مختص اینترنت و بازی های رایانه برای فرزندان در طول شبانه روز که والدین خودشان بازی های رایانه ای را برای کودکان انتخاب کنند.

جلوگیری منطقی و محبت آمیز از بازی های رایانه خشن که عاملی مهم درافزایش میزان خشونت کودکان است با این رویکرد که انتخاب برنامه ها متناسب با سن و موردعلاقه فرزندان باشد.

جایگزینی و پر کردن اوقات فراغت فرزندان با سرگرمی های سالم و شاد و نشاط آور مانند ورزش، مهارت آموزی و ...؛ و دوری از ایجاد فرصت بیکاری برای آنان.

سرمایه گذاری برای اشتغال کودکان در آینده که لازمه تحقق این امر کسب مهارت ها در زمان اوقات فراغت است.

آموزش علمی و عملی آسیب ها و تهدید های فضای مجازی به فرزندان برای کمک به استفاده ایمن از اینترنت از جمله اینکه در هیچ شرایطی اطلاعات شخصی خود و خانواده را در اختیار دیگران قرار ندهند.

آشنایی والدین از علائم اینترنتی مثل کاهش روابط اجتماعی، عصبانیت و پرخاشگری در زمان قطع اتصال به اینترنت، افت تحصیلی، اختلال درخواه، رفتن به سراغ اینترنت در مواقع تنهایی، عدم تمایل به بیرون رفتن از خانه مشکلات و ناراحتی های جسمانی و عضلانی و ... والدین باید به بچه ها بیاموزند که اگر با مشکلی در فضای مجازی روبه رو شدند هرگز آن را با دوستان آنلاین خود که غریبه اند مطرح نکنند و فقط به والدین اطلاع دهند.

غنی سازی برنامه های فراغت دانش آموزان متناسب با شرایط سنی و سرگرمی های سالم به روز. در این خصوص برنامه ریزی آموزش و پرورش را می طلبد که تا با مهیاکردن برنامه های اوقات فراغت متناسب با شرایط سنی، دانش آموزان شور و شوق در آن برنامه حضور یابند نسبت به دوره هم بودن و بالا بردن مشارکت های اجتماعی آن ها از حضورشان در فضاهای مجازی کاسته شود.

کتابنامه

ابن الأثیر، اسد الغابه، دار الكتاب العربی، بیروت، انتشارات إسماعیلیان، تهران.

ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱ جلد، دار الشریف الرضی للنشر - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ ق.

ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، ۱ جلد، دار الکتب الإسلامی، چاپ: اول،

احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ۲ جلد، بنی هاشمی - تبریز، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ق.

حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲.

سیّد بن طاووس، اقبال الاعمال [الاقبال بالاعمال الحسنة]، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۷.

اکبری، بهمن، اسلام و مصرف پوشاک، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۰.

شیخ صدوق، امالی، انتشارات کتابخانه ی اسلامیة، ۱۳۶۲.

شیخ طوسی، امالی، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴.

امالی، شیخ مفید، کنگره ی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳.

آرتو پلارد، طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران، نشر مرکز، چ دوم، ۱۳۸۱، ص ۷.

شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، دفتر نشر معارف، قم، زمستان ۱۳۸۹.

بافکار، حسین، کرباسیان، قاسم، مد و مدگرایی راهکارهای رسانه ای، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۹

بنیانیان، حسن، پوشش اسلامی چالش ها و راه کارها با رویکر مهندسی فرهنگی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۹

بهشتی، محمد، فرهنگی فارسی صبا، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۷۰

پاك نژاد، سيد رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ ق

پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش .

شیخ منصور علی ناصف، استانبول، التاج الجامع للاصول، دار تمل للنشر و التوزيع، ۱۳۵۱[ق.=۱۳۱۱ ش].

حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله وسلم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴.

مغنيه، محمد جواد تفسيركاشف؛ ترجمه موسى دانشگ، بوستان كتاب قم، ۱۳۸۳

امام حسن عسكرى عليه السلام، تفسير منسوب به امام عسكرى عليه السلام،
مدرسه ي امام مهدي عليه السلام، ۱۴۰۹.

تميمي آمدى، عبد الواحد بن محمد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، دفتر
تبليغات قم، اول، ۱۳۶۶ ش.

ورّام بن ابى فراس، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر [معروف به مجموعه ورّام]
مكتبة الفقيه، قم.

شيخ صدوق، ثواب الاعمال، انتشارات شريف رضى، ۱۳۶۴.

بروجردى، آقا حسين، جامع الاحاديث، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶ ش

اشعث كوفى، جعفریات، مكتبة نينوا، بي تا.

حرّ عاملی، شیخ محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، قم، مکتب السلامیه، ۱۳۹۷ ق

حسنلو، امیرعلی، پوشش و تغذیه در سیره معصومین، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲

شیخ صدوق، خصال، جامعه ی مدرسین، ۱۴۰۳.

نعمان بن محمد قمی، دعائم الاسلام، دارالمعارف، مصر، ۱۳۸۵، چاپ دوّم.

رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، تهران، سهامی انتشار، چاپ هفتم ۱۳۸۷

محلاتی ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران دار الکتب الاسلامی ????

ساطعی، عشرت، روان شناسی رنگ ها، زنجان، نیکان کتاب، ۱۳۸۳

شیخ عباس قمی، سفینه البحار، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶.

سنن النبی، علامه محمدحسین طباطبائی، قم انتشارت تهذیب. ۱۳۸۵

ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، كتابخانه ى آيت الله العظمى مرعشى نجفى،
قم، ١٤٠٤.

شريف الرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه (للصباحى صالح)، ١ جلد، هجرت -
قم، چاپ: اول،

شيخ عباس قمى، بيت الاحزان فى ذكر احوالات سيده نساء العالمين فاطمه
الزهراء، (قم: انتشارات سيدالشهدا، ١٤٠٤ ق).

شيخ عباس قمى، بيت الاحزان، تهران؛ مكتبه العلميه الاسلاميه.

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام؛ كنگره جهانى امام رضا عليه السلام؛ مشهد،
١٤٠٦ ق

طباطبايى، محمد حسين، سن النبى، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٩ ق.

طبرى، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، مترجم سيد ابراهيم ميرباقرى، انتشارات
فراهانى، {بى تا}،

طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، کتابخانه حیدریه، نجف،
۱۳۸۵ ق.

علی اصغر حلبی، مقدمه ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران، تهران، مؤسسه پیک
ترجمه و نشر، چ دوم، ۱۳۶۵.

امینی شیخ عبد الحسین، الغدیر، نشر مرکز الغدیر، ۱۴۱۶.

آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی؛ غررالحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات
اسلامی، ۱۳۶۶.

غزالی، ابوحامد محمد، احیاء علوم الدین، مترجم مویدالدین محمد خوارزمی،
انشارات علمی و فرهنگی، {بی تا}

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، سازمان
چاپ و انتشارات تهران، اول، ۱۳۶۸ ش.

كاووسى برومند، على اصغر، فرهنگ انگلیسی فارسی كاووسى برومند، تهران،
انتشارات سكه، ۱۳۷۱

كلینى، محمد بن یعقوب بن اسحاق، فروع كافی، گروهى از مترجمان، انتشارات
قدس، قم، پاییز ۱۳۸۸

کیانی، خدیجه، لباس در قرآن و سنت، قم، پیام حجت، ۱۳۹۰

كلینى، كافی، ثقة الاسلام تهران، دار الكتب الاسلامیة، ۱۳۶۵.

متقى هندی، كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، بیروت، مؤسسة الرسالة.

ابوالفتح كراچكى، كنز الفوائد، دار الدُّخائر، ۱۴۱۰.

گابور، دون، مهارت های گفتگو، ترجمه مهدى قراچه داغى، تهران، پيك بهار،
۱۳۸۱ ش.

تويسركانى، محمد نبى، لآلى الاخبار، تهران كارخانه عليقلی خان قاجار ۱۳۱۲ق

لوشر، ماكس، روان شناسى رنگ ها، ترجمه ويدا ابى زاده، تهران، نشر نى، چاپ
چهارم ۱۱۳۷۲

ليثى واسطى، على بن محمد، عيون الحكم و المواعظ (لليثى)، ۱ جلد، دار
الحديث - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.

متقى هندی، على، كنزالعمال، تحقيق: شيخ بكرى حياى و شيخ صفوه السقا،
موسسه الرساله، {بى تا}

مجلسى، محمدباقر، بحارالانوار، بيروت، الوفا، ۱۴۰۴ قمرى

مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بيروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربى
- بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق برقى، احمد بن ابى عبدالله، محاسن، دارالكتب
الاسلاميه، قم، ۱۳۷۱.

فيض كاشانى، ملامحسن، المحجة البيضاء فى تهذيب الأحياء، انتشارات جامعه ي
مدرسين، چاپ دوم.

محدث قمی، کحل البصر، تهران، دارالثقلین، ۱۳۸۹

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضر الفقیه، بیروت،
دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق

محمدی اشتهاردی، محمد، ازدواج و شیوه همسررداری از دیدگاه اسلام، (تهران،
انتشارات کتاب یوسف، ۱۳۷۸)،

اصلانی، محمدرضا، فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز انتشارات کاروان، ۱۳۸۵.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۶

ملکی تبریزی، میرزا جوادآقا، مراقبات، انتشارات اخلاق، چاپ اول، ۱۳۷۵.

علی بن حسن طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، کتابخانه حیدریّه، نجف،
۱۳۸۵ ق.

شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، برگردان قمشه ای، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲.

ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا، اسرار الصلاة، مترجم: رضا رجب زاده، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۵

شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۵.

نعمانی، عبدالحمید، الترغیب و الترهیب، مؤسسة الرسالة، بیروت، لبنان.

راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر (للاوندی)، دار الکتاب، ایران؛ قم، بی تا

راغب اصفهانی، برگردان محمد صالح قزوین، نوادر، انتشارات سروش، ۱۳۷۱.

نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد،
مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.

فیض کاشانی، الوافی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴.

شیخ حرّ عاملی، قم، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.

হারجی، اون و کریستین ساندرز و دیوید دیکسون، مهارت های اجتماعی در
ارتباطات میان فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، رشد،
۱۳۷۷ ش.
